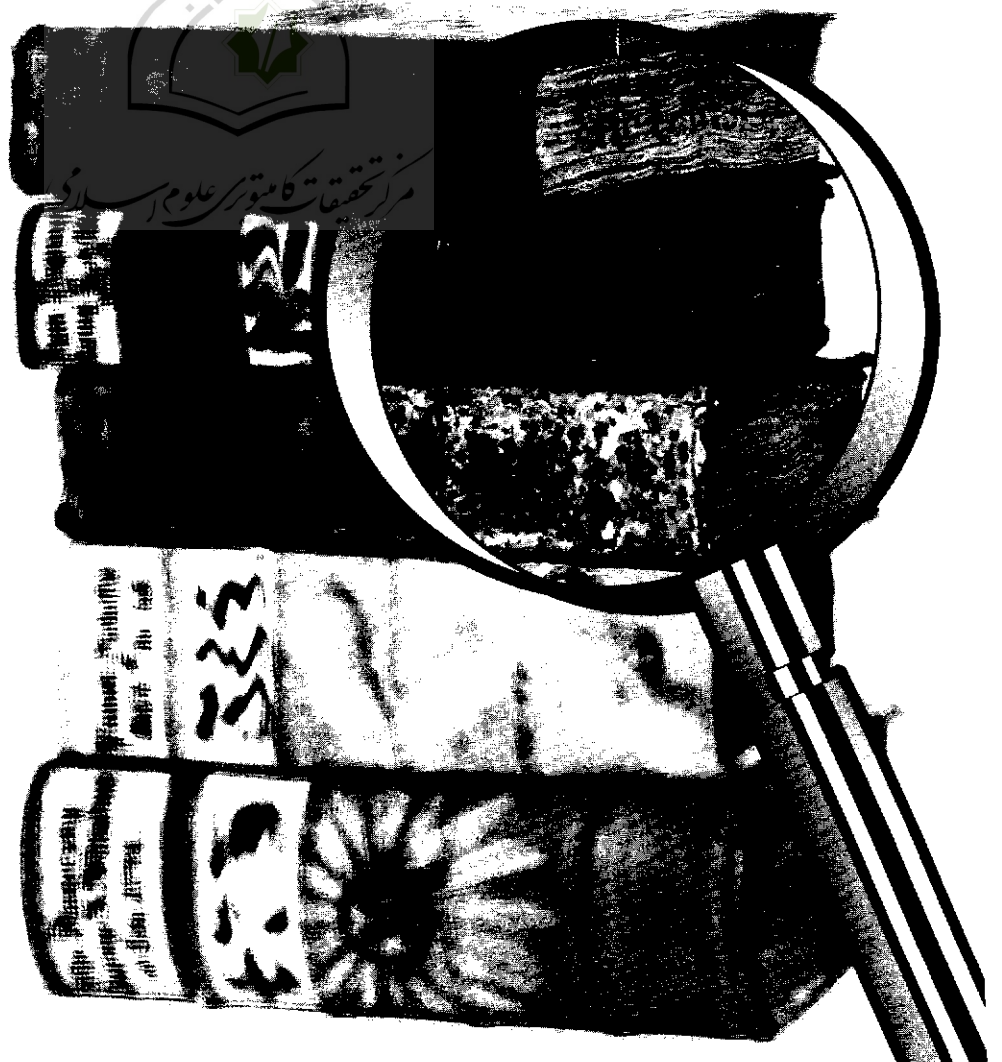


# کند و کاوی در آثار ویلم فلور

تاریخ ایران و خلیج فارس از سلطنت شاه عباس  
صفوی تا پایان حکمرانی کریم خان زند  
۱۰۳۲ - ۱۱۹۳ ق / ۱۶۲۳ - ۱۷۷۹ م به روایت اسناد و منابع  
هلندی

● ناهید بهزادی



## مقدمه

شرکت «هند خاوری هلند (واک)»<sup>۱</sup> به دنبال استقلال ایالات شمالی هلند از اسپانیا و رشد تجارت هلندی‌ها، در سال ۱۰۱۱ ق / ۱۶۰۲ م تشکیل گردید و تا ۱۳۱۳ ق / ۱۸۹۶ م به فعالیت خود ادامه داد. این شرکت طی قراردادی با شاه عباس اول (۱۰۳۹ - ۹۹۶ ق / ۱۶۲۹ - ۱۵۸۷ م) مناسبات تجاری خود را با ایران در ۱۰۳۲ ق / ۱۶۲۳ م آغاز نموده، دو نمایندگی در اصفهان و بندرعباس تأسیس کرد و به زودی با گسترش فعالیت بازرگانی خود مهم‌ترین طرف معاملات تجاری ایران شده و حریفی خطرناک برای شرکت «هند شرقی انگلیس» گردید. شرکت هند شرقی هلند مدتی بعد از استقرار در بندرعباس و اصفهان، در شیراز و لار نیز اقدام به تأسیس تجارتخانه نمود که در شیراز حتی پس از تعطیل تجارتخانه، هلندیان با ساختن شراب که یکی از اقلام صادراتی ایران به‌شمار می‌رفت به حضور خود ادامه دادند. این شرکت در ۱۰۶۸ ق / ۱۶۵۸ م تجارتخانه‌ای برای گردآوری پشم در کرمان دایر کرد. در ۱۱۰۳ ق / ۱۶۹۲ م شعبه مرکزی واک به سبب اهمیت فزاینده خلیج فارس از اصفهان به بندرعباس منتقل گردید. از ۱۱۰۳ ق / ۱۶۹۴ م «بندر کنگ» مورد توجه واک قرار گرفت و تجارتخانه‌ای در این بندر تأسیس کرد اما به دلیل دشواری‌هایی که با پرتغالیان و مقام‌های محلی ایرانی پیش آمد آن را تعطیل نمود. در ۱۱۵۰ ق / ۱۷۳۸ م شرکت هلند فعالیت تجاری خود را در بوشهر آغاز کرد. در ۱۱۶۶ ق / ۱۷۵۳ م نمایندگی مرکزی واک در جزیره خارک مستقر شد و چندی بعد در ۱۱۷۲ ق / ۱۷۵۲ م عملیات شرکت در بندرعباس متوقف گردید و سرانجام در سال ۱۱۷۹ ق / ۱۷۶۶ م با تصرف جزیره خارک به دست میرمهنا، فعالیت واک در ایران برای همیشه خاتمه یافت.

واک از همان ابتدای ورود خود به ایران اقدام به ثبت وقایع روزانه شهرهایی نمود که در آنها نمایندگی داشت مانند بندرعباس، اصفهان و کرمان. قراردادهای گزارشات، یادداشت‌های روزانه و صورت‌حساب‌های این شرکت مجموع اسناد با ارزشی است که در بردارنده اطلاعات ارزشمندی در خصوص اوضاع سیاسی - اداری و احوال اقتصادی - اجتماعی ایران به ویژه در قرن دوازدهم هجری / هجدهم میلادی می‌باشد که با همت ویلم فلور خاورشناس گرنامه‌ی هلندی در قالب چند جلد کتاب تدوین و منتشر گردیده است. فلور در سال ۱۹۴۲ در شهر «اوترخت» هلند به دنیا آمد. او زبان‌های فارسی و عربی را در دانشگاه این شهر فراگرفت و در ۱۹۷۱ با تنظیم رساله خود درباره اصناف دوره قاجار موفق به اخذ

درجه دکتری در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه لیدن گردید. پس از آن وی با انجام تحقیقات منظمی در زمینه تاریخ اجتماعی ایران در دوره قاجار به انتشار مقالات متعددی در خصوص مشاغل و مناصب اجتماعی این دوره مانند کلانتر، داروغه و محتسب و وضعیت گروه‌های مختلفی چون بازرگانان، صرافان و لوطیان همت گماشت. فلور پس از چندی به تحقیق پیرامون مناسبات تجاری ایران و هلند پرداخته، اسناد موجود در بایگانی واک را مورد مطالعه قرار داد، که حاصل این مطالعات، تألیف شش جلد کتاب در مورد روابط ۱۳۳ ساله ایران و هلند در سال‌های ۱۱۷۹ - ۱۰۲۲ ق / ۱۷۶۶ - ۱۶۲۳ م می‌باشد که براساس اسناد واک تنظیم گردیده است. تلاش فلور در تدوین این مجموعه به خصوص از این جهت حائز اهمیت است که امکان دسترسی به این اسناد را برای محققان فراهم نموده، منبعی مستقل از گروه‌های متنازع برای اطلاع از اوضاع ایران گردآورده است. یک جلد از این مجموعه به چگونگی آغاز رابطه ایران و هلند در روزگار شاه عباس و شاه صفی (۵۲ - ۱۰۳۹ ق / ۳۱ - ۱۶۲۹ م) و پنج جلد دیگر به روابط این دو از زمان فرمانروائی شاه سلطان حسین (۱۲۵ - ۱۱۰۶ ق / ۲۲۲ - ۱۶۹۴ م) تا حکمرانی کریم‌خان زند (۹۳ - ۱۱۶۳ ق / ۷۹ - ۱۷۵۰ م) پرداخته، وقایع ایران در این دوران را بر پایه گزارشات سه نمایندگی واک در بندرعباس، کرمان و اصفهان تشریح می‌نماید. گزارشات مربوط به اوضاع خلیج فارس و مناسبات حکومت مرکزی و شرکت‌های اروپائی که به خصوص ارتباط تنگاتنگی با اوضاع خلیج فارس داشت و رابطه شرکت هند شرقی انگلیس و هلند مباحث مشترک این مجموعه می‌باشند که به ویژه گزارشات منظم آنها از خلیج فارس به سبب اهمیت تجاری این منطقه برای واک، حائز توجه بیشتری است. اساساً اروپائیان در جستجوی طرق بازرگانی امن برای دستیابی به ثروت شرق متوجه خلیج فارس شدند. این راه دریائی که در تجارت حلب - هندوستان از طریق بغداد و بصره نقش کلیدی داشت، به زودی اهمیت فزاینده‌ای یافته، سیادت بر آن عامل اصلی رقابت و نزاع بین شرکت‌های اروپائی در ایران گردید، به طوری که دو شرکت هند شرقی هلند و انگلیس بارها به ستیز و منازعه برخاستند. هر دو شرکت ناوگان دریائی مجهزی داشتند که به موقع برای کسب امتیازات تجاری از آن بهره می‌جستند. اساساً قدرت دریائی این شرکت‌ها عاملی تعیین‌کننده در مناسبات حکومت مرکزی و حکام محلی با آنها بوده، اساس رابطه متقابل این دو را تشکیل می‌داد. از یک سو حکومت مرکزی به دلیل ضعف نیروی دریائی در صورت لزوم با واگذاری تسهیلاتی در صدد استفاده از کشتی‌های خارجی بر می‌آمد. چنانکه شاه عباس اول در ۱۰۳۱ ق / ۱۶۲۲ م از انگلستان برای اخراج پرترغالی‌ها از هرمز یاری گرفت و در مقابل انحصار خرید ابریشم ایران را به آنها واگذار کرد و از دیگر سو این شرکت‌ها با اتکاء به ناوگان دریائی خود حکومت مرکزی را برای اعطای امتیازات بازرگانی تحت فشار قرار می‌دادند، به طوری که هلندی‌ها در

روزگار شاه‌عباس دوم (۷۷ - ۱۰۵۲ ق / ۶۶ - ۱۶۴۲ م) در ۱۰۵۵ ق / ۱۶۴۵ م برای به دست آوردن امتیازات تجاری به قلعه و جزیره قشم حمله نمودند و برای جلوگیری از تجارت انگلیسی‌ها چند کشتی به بندرعباس و جزیره هرمز اعزام کردند.

در بررسی مجموعه حاضر باید به این نکته توجه نمود که این کتاب‌ها کاملاً از منظر هلندیان تحریر شده‌اند. مؤلف در همه این تألیفات اقدامات ریاکارانه هلندیان را در پس تباهی و فساد اداری - مالی سازمان حکومتی ایران پنهان کرده، افشای این اقدامات را تصویری نامفهوم و بیگانه از گذشته می‌نامد. ۲. در این آثار از سوء رفتار کارکنان این شرکت با مردم، حيله‌گری‌های آنها برای فروش کالای خود به چند برابر ارزش واقعی، به سرقت بردن سنگ مرمر عمارت جزیره هرمز برای سنگین کردن کشتی‌های سبک وزن خود و ایجاد تعادل در آنها و به مصرف رساندن این سنگ‌ها در ساختمان‌های شرکت در باتاويا (جاکارتا) و اقدامات خرابکارانه این شرکت در مناسبات تجاری ایران با سایر کشورها سخنی به میان نمی‌آید.

بخش اعظم این کتاب‌ها یا تلاش ارزنده دکتر ابوالقاسم سزى به فارسی برگردانده شده و امکان دستیابی خوانندگان ایرانی به این آثار فراهم گردیده است. اما نقیصه اساسی این کتاب‌ها که حتی مترجم را بیشتر از مؤلف در مظان قصور قرار می‌دهد، عدم ارائه توضیحات کافی و رسا در مورد بسیاری از سامی می‌باشد. مقدمه مترجم بر هر یک از این کتاب‌ها بیشتر نوشتاری ادبی است که در آن اشاره‌ای به شیوه کار، مشکلات ترجمه، منابع تاریخی بهره گرفته شده و نیز زندگی‌نامه مؤلف نشده است لذا فاقد اطلاعاتی است که خواننده را در استفاده هرچه بهتر از کتاب یاری رساند.

اما صرف نظر از این نقیصه، این کتاب‌ها دارای فهرست اعلام به تفکیک نام کسان، جای‌ها، نژادها و سلسله‌ها، منصب‌ها و مقام‌ها، شرکت‌ها و مؤسسه‌ها، اصطلاحات مربوط به دیوان و دیوانیان، پول و اصطلاحات مربوط به آن، کشتی‌ها و اصطلاحات دریائی و رساله‌ها و کتاب‌ها می‌باشند که برای خوانندگان در یافتن اسامی و موضوعات مختلف بسیار مفید و قابل استفاده است.

در مقاله حاضر بر آنیم که این مجموعه شش جلدی را که عبارتند از: اولین سفرای ایران و هلند، اختلاف تجاری ایران و هلند، برافتادن صفویان و برآمدن محمود افغان، اشرف افغان بر تختگاه اصفهان، حکومت نادرشاه و هلندیان در جزیره خارک معرفی نموده، نقد و بررسی کنیم\*.

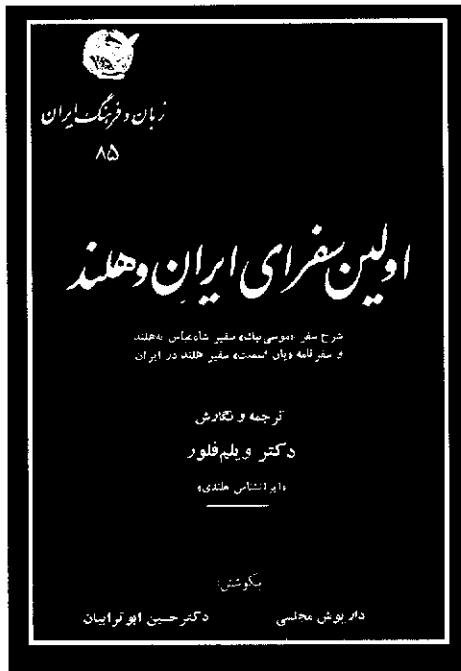
۱. اولین سفرای ایران و هلند: شرح سفر «موسی بیگ» سفیر شاه‌عباس به هلند و سفرنامه «یان اسمیت» سفیر هلند در ایران، ترجمه و نگارش دکتر ویلم فلور، به کوشش داریوش مجلسی و حسین ابوترابیان، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۵۶ ش.

این کتاب چگونگی ایجاد رابطه تجاری بین ایران و

◀ اروپائیان در جستجوی طرق بازرگانی امن برای دستیابی به ثروت شرق متوجه خلیج فارس شدند. این راه دریائی که در تجارت حلب - هندوستان از طریق بغداد و بصره نقش کسلیدی داشت، به زودی اهمیت فزاینده‌ای یافته، سیادت بر آن عامل اصلی رقابت و نزاع بین شرکت‌های اروپائی در ایران گردید.

◀ از آنجا که این کتاب‌ها کاملاً از منظر هلندیان تحریر شده‌اند، مؤلف در همه آنها اقدامات ریاکارانه هلندیان را در پس تباهی و فساد اداری - مالی سازمان حکومتی ایران پنهان کرده، افشای این اقدامات را تصویری نامفهوم و بیگانه از گذشته می‌نماید.

◀ این کتاب چگونگی ایجاد رابطه تجاری بین ایران و هلند در روزگار شاه‌عباس اول در ۱۰۳۲ ق / ۱۶۲۳ م و سفارت موسی بیگ و یان اسمیت، نخستین سفرای ایران و هلند را بررسی می‌کند.



هلند در روزگار شاه‌عباس اول در ۱۰۳۳ ق / ۱۶۲۳ م و سفارت موسی بیگ و یان اسمیت نخستین سفرای ایران و هلند را در سه فصل بررسی می‌کند. در فصل اول تحت عنوان «آغاز روابط ایران و هلند» دلایل حضور هلندیان در ایران که به‌طور عمده بر بستر عواملی چون رقابت‌های بازرگانی، تحولات بازار جهانی و مبنای سیاست خارجی شاه‌عباس استوار بود، توضیح داده می‌شود. رقابت با شرکت هند شرقی انگلیس - که در سال ۱۰۲۳ ق / ۱۶۱۴ م نخستین کشتی خود را برای بازرگانی ابریشم به خلیج فارس اعزام نموده بود - و نیز تقاضای فزاینده برای ابریشم در بازار اروپا و کاهش قیمت ادویه آسیا در بازار جهانی که مهم‌ترین کالای تجاری شرکت به شمار می‌رفت و سود شرکت را به شدت کاهش داده بود، واک را بر آن داشت که به‌منظور تهیه ابریشم رابطه بازرگانی خود را با ایران آغاز نماید. شرکت هلند برای تجارت ابریشم همگام با تقویت موقعیت خود در اندونزی اقدام به تأسیس شعباتی در هند، سیام و ژاپن نمود تا ابریشم تولید شده در چین را از بازارهای آسیایی خریداری کند و هم‌زمان با یمن نیز باب تجارت را گشود. در همین زمان شاه‌عباس در جستجوی متحدی نیرومند به‌منظور مقابله با پرتغالی‌ها و اخراج قطعی آنها از خلیج فارس و نیز محدود نمودن زیاده‌خواهی انگلستان که شاه را در راندن پرتغالی‌ها از هرمز یاری داده و اینکه امتیاز بیشتری مطالبه می‌کردند، بود. خلیج فارس نقطه مشترک منافع شاه صفوی و شرکت هلند بود، بدین معنا که از یک سو شاه‌عباس در تلاش بود که از طریق خلیج فارس تمام درآمدهای خود را که ترک‌ها از بابت ترانزیت کالاهای ایرانی به دست می‌آوردند، خود تحصیل نماید و از دیگر سو تجارت ابریشم ایران برای هلندیان فقط با معاوضه کالا سودآور بود. از این رو باید دست پرتغالی‌ها را که در آن زمان از طریق هرمز تجارت ادویه با ایران را در انحصار داشتند از خلیج فارس کوتاه می‌کردند. شاه‌عباس و

رقابت با شرکت هند شرقی انگلیس - که در سال ۱۰۲۳ ق / ۱۶۱۴ م نخستین کشتی خود را برای بازرگانی ابریشم در خلیج فارس اعزام نموده بود - و نیز تقاضای فزاینده برای ابریشم در بازار اروپا و کاهش قیمت ادویه آسیا در بازار جهانی که مهم‌ترین کالای تجاری شرکت به‌شمار می‌رفت و سود شرکت را به شدت کاهش داده بود، واک را بر آن داشت که به‌منظور تهیه ابریشم رابطه بازرگانی خود را با ایران آغاز نماید.

مؤلف در فصل سوم کتاب به ارزیابی سفر بی‌حاصل یان اسمیت، سفیر هلند به دربار صفوی پرداخته، سفرنامه او را که حاوی گزارشات و خاطراتش از بندرعباس به اصفهان و بازگشت به بندرعباس از ۲۶ ژوئیه ۱۶۲۸ تا ۱۴ ژوئن ۱۶۳۰ بود، آورده است.

شاه‌عباس به‌منظور آغاز مناسبات سیاسی با هلند و نیز ارزیابی وضعیت تجارت ابریشم در اروپا موسی بیگ را به عنوان سفیر با کشتی شرکت هلندی به آن کشور اعزام نمود. فصل دوم کتاب به شرح سفر موسی بیگ، اولین سفیر ایران در هلند می‌پردازد.

هلندیان در سال ۱۰۳۲ ق قرارداد امضاء نمودند که طبق آن هلندیان آزادی تجارت، معافیت از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی به جز راهداری و داشتن عبادتگاه و گورستان را به دست آوردند. آنها همچنین از والی فارس سفارشی مبنی بر معافیت از پرداخت حقوق گمرکی در لار و هرمز که کالاهایشان در آنجا بود تحصیل نمودند که متن قرارداد، سفارش‌نامه والی فارس و نیز نرخ راهداری از بندرعباس تا اصفهان در کتاب درج گردیده است.

همانطور که عنوان شد هلندیان خرید ابریشم ایران را فقط در ازای تعویض کالا مقرون به صرفه می‌دانستند چرا که طبق برآورد آنها خرید نقدی کالا از هندوستان متضمن ۳۰۰٪ سود بود حال آنکه خرید ابریشم ایران با پول نقد فقط ۱۰۰٪ سودآوری داشت. از این رو از همان ابتدا شرکت هلند سعی نمود ابریشم را با لفل، شکر و منسوجات معاوضه کند که این مسئله در نهایت به نزاع ملک‌التجار و شرکت هلند انجامید. کتاب در این فصل به شرح مرافعه‌های این دو می‌پردازد. معامله با ملک‌التجار اصفهان برای هلندیان بسیار سودآور بود چرا که اولاً تجار معمولی برای خرید کالاهای هلند به اندازه کافی سرمایه در اختیار نداشتند، از این رو معامله با آنها بازگشت فوری سرمایه اولیه را به شرکت دشوار می‌ساخت و ثانیاً خرید ابریشم از بازرگانان معمولی مستلزم پرداخت حداقل ۱۲ تومان مالیات برای هر بار ابریشم بود. دولت صفوی در این زمان برای تأمین هزینه لشکرکشی علیه ترکان و ازبکان نیاز به پول داشت و حاضر به معامله ابریشم با ادویه نبود به‌خصوص اینکه قیمت ادویه نیز مرتباً در بازار جهانی کاهش می‌یافت اگرچه در حل این مسئله شرکت هلند متعهد گردید یک سوم قیمت ابریشم را نقد بپردازد، اما نتوانست به تعهد خود عمل نماید و این موضوع منازعه بین واک و ملک‌التجار را که طرف اصلی تجارت شرکت بوده تشدید کرد.

فصل دوم کتاب به شرح سفر موسی بیگ اولین سفیر ایران در هلند می‌پردازد. شاه‌عباس به‌منظور آغاز مناسبات سیاسی با هلند و نیز ارزیابی وضعیت تجارت ابریشم در اروپا سفیری را با کشتی شرکت هلند به آن کشور اعزام نمود. شرکت از اینکه فرستاده شاه به وسیله کشتی آنها رهسپار هلند شود ناراضی بود. زیرا اولاً سفیر مقدار زیادی ابریشم از طرف شاه‌عباس به همراه داشت که سرازیر شدن آنها به بازار، قیمت ابریشم را برهم می‌زد و ثانیاً روسای شرکت نمی‌خواستند شاه صفوی از مسیر تجارت دریائی شرکت وکلاً جریان و سیاست‌های تجارت ابریشم بین ایران و اروپا آگاه گردد. در این سفر موسی بیگ از هلند تقاضا کرد که سفیر و کنسول‌های خود را از عثمانی فراخواند و وعده نمود که اگر آنها ایران را در اخراج پرتغالیان از مسقط و لارک یاری دهند امتیازاتی همانند امتیازات انگلیسیان به آنها واگذار خواهد شد. اما واک با رد این درخواست‌ها پاسخ داد که آنها هم اکنون نیز از امتیاز تجارت آزاد برخوردارند و حاضر به درگیری در هیچ منطقه‌ای نیستند. سرانجام وی بعد از مشاجره بین شورای ایالات هلند و شرکت

هند شرقی بر سر هزینه اقامتش در ۱۰۳۷ ق/ ۱۶۲۸م هلند را ترک کرد. در مقابل هلندیان علی رغم میل خود سفیری موسوم به یان اسمیت که تاجری ورشکسته بوده، هیچ تجربه‌ای در تجارت با آسیا نداشت، به ایران فرستادند. شاید مخارج زیاد اعزام سفیر به علاوه ترس از تیره شدن مناسبات با عثمانی باعث گردید که هلندیان چندان دقتی در انتخاب سفیر نداشته و اهمیتی برای سفارتش قائل نباشند، به ویژه اینکه این سفیر هیچ‌گونه اختیاری نداشت و فقط باید به شاه عباس یادآوری می‌نمود که ناوگان دریائی هلند که در حوالی هرمز مستقر بود حاضر است در مواقع ضروری ضرباتی به ناوگان پرتغالی وارد نماید.

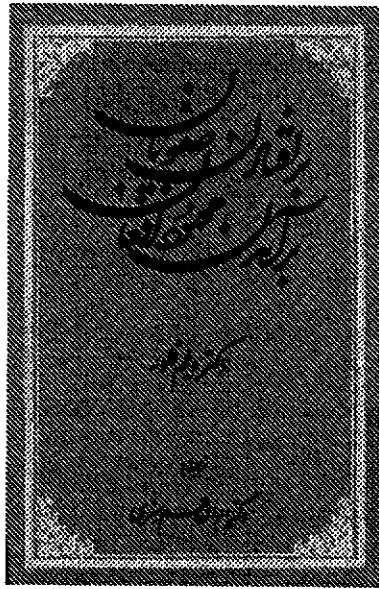
اسمیت در ۱۰۳۸ ق/ ۱۶۲۹م به همراه موسی بیگ و سفیر شاه عباس در دربار قطب شاهیان دکن از سورات عازم بندرعباس گردید اما مقارن با ورود او به ایران شاه عباس درگذشت و شاه صفی جانشین او گردید.

مؤلف در فصل سوم کتاب به ارزیابی سفر بی حاصل این سفیر پرداخته سفرنامه او را که حاوی گزارشات و خاطراتش از بندرعباس به اصفهان و بازگشت به بندرعباس از ۲۶ ژوئیه ۱۶۲۸م تا ۱۴ ژوئن ۱۶۳۰م بود، منتشر کرده است. اسمیت در این سفرنامه اطلاعات منحصر به فرد و خاصی ارائه نمی‌دهد، بلکه فقط اطلاعات مختصری در خصوص وضع قلعه هرمز، کاروان‌سراها، امنیت راه‌ها که به نظر نویسنده در دنیا کم نظیر بود<sup>۳</sup> و نیز اطلاعات مفصل تری پیرامون وضعیت آشفته دربار، اقدامات نماینده واک در اصفهان و نیز درگیری شدید بین نماینده شرکت هند شرقی هلند و انگلیس بر سر قراردادی که ملک التجار با انگلیسیان برای فروش قفل متعقد کرده بود، عرضه می‌نماید.

مؤلف در این کتاب با ارائه توضیحات مفید و مکمل در پاورقی اطلاعات دقیقی در اختیار خواننده می‌گذارد به علاوه اینکه ضامم این کتاب مشتمل بر نامه‌های شاه‌عباس و شاه صفی به شورای ایالات هلند، اسنادی در مورد سفارت موسی بیگ، تصاویر اصل سندها و نیز نقشه‌ای از مسیر تجاری شرکت هلند از بندرعباس به آمستردام بسیار قابل توجه می‌باشد. فهرست کتابشناسی و فهرست اعلام از دیگر ملحقات این کتاب است.

۲] برفاقتان صفویان، برآمدن محمود افغان، ترجمه ابوالقاسم سزی، تهران انتشارات توس، ۱۳۶۶

این کتاب در ده فصل تنظیم شده و به وقایع ایران در سال‌های ۳۷-۱۱۳۱ ق/ ۲۵-۱۷۱۹ م پرداخته، چگونگی سقوط صفویان و به قدرت رسیدن افغانه را بررسی می‌نماید: تاراج کرمان در ۱۱۳۱ ق/ ۱۷۱۹ م توسط افغان‌ها، غارت لار و محاصره بندرعباس در ۱۱۳۳ ق/ ۱۷۲۱ م به دست بلوچان، محاصره کرمان در ۳۴-۱۱۳۳ ق/ ۲۲-۱۷۲۱ م، وضع اصفهان در روزهای محاصره توسط افغان‌ها در ۱۱۳۴ ق/ ۱۷۲۲ م، فتح شیراز در ۱۱۳۵ ق/ ۱۷۲۳ م. و وضعیت اصفهان، کرمان و بندرعباس در سال‌های ۳۷-۱۱۳۴ ق/ ۲۵-۱۷۲۲ م. از اهم فصول آن می‌باشند. مؤلف که بی‌کفایتی دولتمردان



◀ این کتاب در ده فصل تنظیم شده و به وقایع ایران در سال‌های ۳۷-۱۱۳۱ ق / ۲۵-۱۷۱۹ م پرداخته، چگونگی سقوط صفویان و به قدرت رسیدن افغانه را بررسی می‌نماید.

◀ تاراج کرمان در ۱۱۳۱ ق / ۱۷۱۹ م توسط افغان‌ها، غارت لار و محاصره بندرعباس در ۱۱۳۳ ق / ۱۷۲۱ م به دست بلوچان، محاصره کرمان در ۳۴-۱۱۳۳ ق / ۲۲-۱۷۲۱ م، وضع اصفهان در روزهای محاصره توسط افغان‌ها در ۱۱۳۴ ق / ۱۷۲۲ م، فتح شیراز در ۱۱۳۵ ق / ۱۷۲۳ م و وضعیت اصفهان، کرمان و بندرعباس در سالهای ۳۷-۱۱۳۴ ق / ۲۵-۱۷۲۲ م از اهم فصول این کتاب می‌باشند.

صفوی را مهم‌ترین دلیل سقوط این سلسله می‌داند، ستمگری و تعصبات مذهبی شاه سلطان حسین را نسبت به افغانه سنی‌مذهب قندهار عامل اصلی شورش آنها معرفی می‌کند. اساساً سیاست تنگ‌نظرانه مذهبی شاه سلطان حسین زمینه مطلوبی برای فعالیت افغانه غلجائی در یافتن متحدانی مناسب فراهم آورد به طوری که آنها با استفاده از شقاق مذهبی سعی در جلب نظر طوائف سنی‌مذهب و پیوند با این گروه‌ها نموده، موفق به جلب حمایت برخی از این طوائف شدند. مهمترین گروه متحد افغانه، بلوچ‌ها بودند که به‌طور مستقل و یا در اتحاد با افغان‌ها اقدام به غارت و چپاول شهرها می‌نمودند که گزارشات مفصلی از حملات آنها به لار و بندرعباس توسط هلندیان ضبط شده است. آنها همچنین گزارش می‌دهند که در جریان حمله به شیراز در ۱۱۳۵ ق از پنج شش هزار سپاه افغان تنها هفتصد افغانی در میان آنها بود و بقیه را روستائیان سنی‌مذهب درگزینی تشکیل می‌دادند که قبلاً در حدود چهارده‌الی پانزده هزار خانوار از آنها به افغانان پیوسته بودند.<sup>۴</sup> افغان‌ها برای جلب نظر سید عبدالله خان والی عرب خوزستان نیز با تأیید بر هم‌کیشی تلاش ناموفقی نمودند. کتاب به تشریح وضعیت سایر گروه‌های مذهبی مانند زرتشتیان و ارامنه نیز پرداخته است. ارمنیان در وقایع حملات افغان‌ها متهم به همکاری با آنها شدند به طوری که برخی از خواجهگان آنها بازداشت شده، اموالشان مصادره گردید.<sup>۵</sup> در همین رابطه به نظر میرسد با توجه به ناتوانی صفویان در دفاع از مردم برخی از گروه‌ها اقدام به عقد مواضع‌هایی خصوصی با افغانه نموده‌اند. منابع هلندی به یکی از بزرگان ارمنی اشاره میکنند که در جریان تهاجم افغانان به جلفا با آنها مصالحه نمود تا محله خود را از تاراج آنها نجات دهد. مشارالیه اندکی بعد از سوی محمود افغان کلاتر جلفا گردید.<sup>۶</sup>

فصل پنجم کتاب تحت عنوان «خلاصه یادداشت‌های روزانه محاصره اصفهان از اول مارس تا پایان اوت ۱۷۲۲ م.» مفصل‌ترین بخش کتاب می‌باشد.

◀ فصل پنجم کتاب تحت عنوان خلاصه یادداشت‌های روزانه محاصره اصفهان از اول مارس تا پایان اوت ۱۷۲۲ م، مفصل‌ترین بخش کتاب می‌باشد.

◀ یکی از موضوعات مهم کتاب تشریح سیاست‌های فرصت طلبانه شرکت‌های هند خاوری هلند و انگلیس در حفظ منافع و اختیارات خود بود.

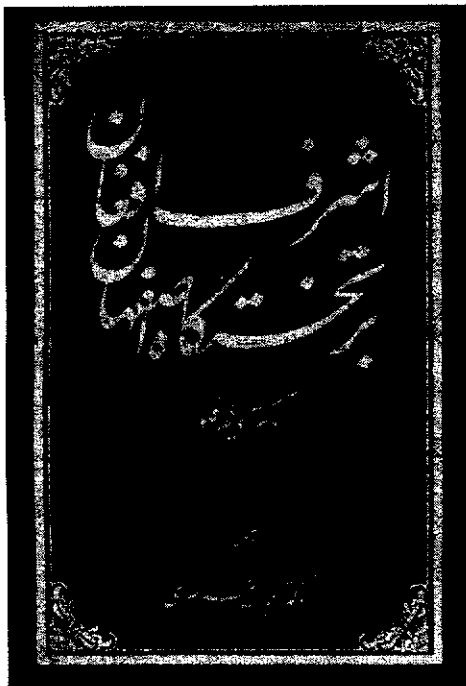
این یادداشت‌ها ممکن است از نظر تاریخی حائز اهمیت چندانی نباشند چراکه قسمت‌های زیادی از آن به شایعاتی که در پایتخت رواج داشته اختصاص یافته است. مانند شایعاتی که در مورد وضعیت نیروهای بختیاری به رهبری علی مردان خان و یا وضعیت ملک محمود سیستانی وجود داشت، اما در بردارنده نکات دقیق و روشنی است که شایسته توجه و تعمق می‌باشد از جمله: درگیری برخی از صاحب منصبان صفوی با یکدیگر مانند منازعه سید عبدالله والی خوزستان و احمدآغا نایب قوللر آغاسی که توانایی جنگی قشون صفوی را بیش از پیش تقلیل داد، سیاست‌های احمقانه شاه سلطان حسین که هرازگاهی یکی از پسرانش را برای گردآوری نیرو از حرم خارج می‌نمود تا مردمی را که خواهان دفاع از کشور در برابر افغان‌ها بودند آرام نماید و مهمتر از همه بی‌پناهی و فلاکت مردم در اثر حملات افغانه و بی‌لیاقتی صفویان، ویرانی و کمبود نان، و نیز گزارشات دقیقی از قیمت ارزاق عمومی از اهم مباحث آن می‌باشند. در این گزارشات همچنین از تنی چند از شورشیان مانند سید محمد باقر و جعفر پیر شفتی نامبرده شده که در راه لار و شیراز راهزنی می‌کردند.<sup>۷</sup>

یکی از موضوعات مهم کتاب تشریح سیاست‌های فرصت طلبانه شرکت‌های هند خاوری هلند و انگلیس در حفظ منافع و امتیازات خود بود. در همین رابطه مؤلف می‌نویسد در جریان محاصره شیراز در ۱۱۳۵ ق. نماینده شرکت انگلیس نامه‌ای به شراب‌ساز واک در شیراز نوشت که در آن به وی اطلاع داده بود که «در میان محاصره کنندگان یکی از کارکنان شرکت هلند به نام فرهاد از شما چیزهایی برای محاصره کنندگان افغان می‌خواست. من به شما پیشنهاد میکنم که این درخواست را مشترکاً برآورده کنیم».<sup>۸</sup> اگر چه شراب‌ساز شرکت هلند از وجود این فرد اظهار بی‌اطلاعی کرد اما درست در آغاز محاصره شیراز نامه‌ای از سوی نماینده واک در اصفهان به شراب‌ساز ارسال شد که در آن از وی خواسته شده بود با فرهاد همکاری نماید و همه کالاهای شرکت را با او به اصفهان بفرستد.<sup>۹</sup> طبق گزارش منابع هلندی شرکت انگلیس نیز از حسن‌علی بیگی نامی که در گذشته چاپار این شرکت بود حمایت کرد و زمانی که مشارالیه توسط حاکم افغانی لار به حکومت بندرعباس منصوب شد، مخارج وی و همراهانش را تقبل نمود. در همین زمان نماینده شرکت هلند در بندرعباس، نماینده اصفهان را مورد انتقاد قرار میدهد که چرا گزارشات دقیقی از وضع پایتخت ارائه نداده تا آنها بتوانند از اوضاع ارزیابی درستی داشته، به موقع با گروه حاکم مصالحه نمایند. طبق تحلیل آنها اگر مشخص شود که افغانه قدرت را بدست خواهند گرفت آنها با صرف پانصد، ششصد تومان یا کمتر اهالی جزایر را از تسلیم شدن به افغانه باز خواهند داشت و بعد با گرفتن امتیازاتی از افغانان مردم را وادار به تسلیم مینمایند، چه هلندیان ادعا می‌کردند که جزایر نشینان ترجیح میدهند با میانجی‌گری آنها تسلیم شوند و نه با زور<sup>۱۰</sup> و آنها که ایرانیان را بسیار پول پرست می‌دانستند، تصور میکردند که با پول میتوانند هر سیاستی را در

ایران پیش برند. آنها معتقد بودند که انگلیسیان نیز قصد دارند جزایر را زیر سلطه افغان‌ها درآورند تا بدین ترتیب حقی را که بر عواید گمرکات بندرعباس داشتند حفظ کنند. هر دو شرکت در آزاد نمودن خسرو بیگی نایب الحکومه افغان در بندرعباس که به دستور شاهبندرهرمز دستگیر شده بود به رقابت برخاستند و هنگامی که هلندیان گوی سبقت را ربودند شهادتنامه‌ای به امضای قاضی شرع هرمز تهیه کردند که در آن سپاهیان و یوزباشیان هرمز گواهی دادند که خسروبیگی را تا با تلاش هلندیان آزاد نموده‌اند و آن را به اصفهان فرستادند تا از آن برای کسب امتیازات از افغان‌ها بهره‌گیرند.<sup>۱۱</sup>

این کتاب به مسائل گوناگون دیگری چون منازعه مسلحانه کلانتر و بیگلربیگی کرمان در ۱۱۳۲ ق. / ۱۷۲۰ م، راهزنی سه هزار سرباز لر و لشنی در راه جهرم به شیراز، اعمال جنون آمیز محمود و سرانجام قتل او توسط اشرف در ۱۱۳۷ ق. / ۱۷۲۵ م، می‌پردازد. همچنین درگیری نظامی شاهبندر بندرعباس با کارکنان شرکت هند خاوری انگلیس که ظاهراً در پی نزاع یک انگلیسی و یکی از سپاهیان شاهبندر به وقوع پیوست قابل توجه می‌باشد. طبق گزارش هلندیان در این منازعه صدویست تن از سپاهیان شاهبندر به قتل رسیدند.

۳ اشرف افغان بر تختگاه اصفهان، ترجمه ابوالقاسم سزی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۷ ش.  
این کتاب به وقایع ایران در روزگار سلطه اشرف افغان در سال‌های ۴۱-۱۱۳۷ ق. / ۲۹-۱۷۲۵ م، می‌پردازد. دوره پراشوب هجوم و تسلط افغانه در سال‌های ۴۲-۱۱۳۴ ق. / ۳۰-۱۷۲۲ م، که دستگاه‌داری و دیوانسالاری (که یکی از وظایفش ثبت تاریخ رسمی بود) فروریخته بود فاقد تاریخ‌نگاری رسمی بوده، منبع تاریخی چندانی ندارد. به استثنای تذکره حزین<sup>۱۲</sup> که شرح خاطرات شیخ محمدعلی حزین، یکی از اعقاب شیخ



زاهد گیلانی است - برای بررسی تاریخ ایران در سال‌های ۵۲-۱۱۳۲ق. / ۴۰-۱۷۲۰م. درخور توجه می‌باشد، کتاب دیگری در این دوره تألیف نگردیده است. کتاب اشرف افغان بر تختگاه اصفهان را می‌توان یکی دیگر از منابع معدود و مستند تاریخی در این دوره به‌شمار آورد که با توجه به کمبود منابع بسیار حائز ارزش است. این کتاب به وقایع اصفهان، کرمان و بندرعباس می‌پردازد و به‌طور عمده به موقعیت شرکت هند شرقی هلند، مناسبات این شرکت با حکام و مطالبات گوناگون آنها، رقابت بازرگانی دو شرکت هند شرقی هلند و انگلیس، منازعات گروه‌های رقیب و تأثیر فاجعه آمیز آن بر زندگی مردم، فعالیت مدعیان گوناگون وابسته به خاندان صفوی مانند محمد میرزا صفوی در خلیج فارس و وضعیت خلیج فارس در این دوره امعان نظر دارد.

رویدادهای اصفهان شامل جدال دائمی بین افغانه و هلندیان برای اخذ پول و پیشکش و نیز اقدامات دو شرکت هند شرقی هلند و انگلیس علیه یکدیگر می‌باشد. افغان‌ها به‌منظور تحصیل پول از شرکت‌های اروپایی هر دو شرکت را به انحاء گوناگون تحت فشار می‌گذاشتند و این دو نیز برای جلب توجه و حمایت حکام افغانی و متمرکز نمودن فشار علیه دیگری به رقابت برانگیخته میشدند، کاری که سخت بیهوده و فاقد هرگونه اساس اقتصادی یا بازرگانی به نظر می‌آمد اما رقابت‌های سنتی هلند و انگلیس آنرا پدید آورده بود.<sup>۱۳</sup> در این بخش منابع هلندی به انعقاد قراردادی بین افغان‌ها و انگلیسی‌ها در ۱۱۴۰ ق. / ۱۷۲۸م. اشاره میکنند طبق آن انگلیسی‌ها باید مانند سایر تجار عوارض گمرکی کالاهای خود را پرداخت نمایند، از کلیه دعاوی خود در ایران از جمله گرفتن هزار و صد تومان از عواید گمرکی بندرعباس چشم‌پوشی کنند، ارمینان را با کالاهای خود به جای بصره به بندرعباس منتقل نمایند تا عواید گمرکی این شهر افزایش یابد و یک کشتی در لنگرگاه بندرعباس برای دفاع از افغان‌ها نگاه دارند. در مقابل افغان‌ها متعهد شدند که نیمی از کل مالیات‌ها و عوارض صدور و ورود کالا را که به شاه‌بندر بندرعباس داده میشد به انگلیسی‌ها پرداخت نمایند.<sup>۱۴</sup> هلندیان همچنین گزارش دادند که انگلیسی‌ها، افغانه را وادار نموده‌اند که بازرگانان ارمنی را مکلف سازند که نمایندگانشان را از بصره که با هند داد و ستد دارند ظرف شش ماه فراخوانند.<sup>۱۵</sup>

وقایع کرمان به گزارش جنبش میرزا سید احمد مرعشی در ۲۹-۱۱۳۷ق. / ۲۷-۱۷۲۵م اختصاص دارد. او که در جریان هجوم افغان‌ها به اصفهان به اتفاق طهماسب میرزا از این شهر گریخته بود، با مشاهده بی‌توجهی وی رهسپار ابرقوه شد و با جعل فرمانی از مشارالیه خود را سپاه سالار فارس اعلام نمود. در این بخش مذاکرات و گفت و گوهای سید احمد خان با واک برای گرفتن سرب، باروت و کشتی و امتناع سرسختانه هلندیان در خور توجه است. در این مورد آنها از تحویل باروت، نارنجک و توپچی به سید احمد خان از سوی

انگلیسی‌ها انتقاد کرده، پیش‌بینی میکنند که در صورت پیروزی افغان‌ها آنها باید جریمه سنگینی بپردازند. قسمت اعظم کتاب به گزارش اوضاع خلیج فارس اختصاص دارد. نمایندگی مرکزی واک در بندرعباس بزرگترین مرکز تجاری این شرکت در خاور نزدیک به شمار می‌آمد. با توجه به اهمیت این شهر گزارشات مربوطه به آن در دو بخش ارائه گردیده است: بخش اول به تشریح وضع این بندر در سال‌های ۳۹-۱۱۳۷ق. / ۲۷-۱۷۲۵م. و بخش دوم در سال ۱۱۴۰ق. / ۱۷۲۸م می‌پردازد. در بخش اول روابط شیخ راشد، شاه‌بندر بندرعباس - که در باسیدو می‌زیست - با واک و مساعی مشارالیه برای تصرف قلعه و سنگرهای بندرعباس حائز اهمیت است که این موضوع به نوبه خود در بررسی مناسبات حکومت مرکزی و شیوخ منطقه که از بازرگانان عمده به شمار می‌آمدند شایسته توجه می‌باشد. همچنین شرح فعالیت محمد میرزا - که مدعی بود فرزند ارشد شاه سلطان حسین است - در میناب، رابطه او با کلانتر میناب و یوزباشیان هرمز، اخاذی‌های مشارالیه از مردم و شرکت‌های اروپایی و غارت و چپاول مردم از سوی سپاهیان بلوچ وی، سایر مطالب این بخش را تشکیل می‌دهند. طبق گزارش هلندیان آخرین اطلاعات مربوط به محمد میرزا در خلیج فارس مربوط به سال ۱۱۴۰ق می‌باشد. از دیگر مطالب این بخش منازعات افغانه با دیگر ایرانیان برای بدست گرفتن امور بندرعباس است. این شهر به تناوب بین این دو گروه دست به‌دست میشد و هرگاه هیچیک از آنها پیروزی قاطعی بر دیگری بدست نمی‌آورد، شهر جولانگاه بلوچ‌ها می‌گشت. چنانکه بعد از گزارش کوتوال بندرعباس در ۱۱۴۰ق مبنی بر حمله پانصد بلوچ به دو روستا در نزدیکی میناب و شایعه هجوم آنها به بندرعباس تعداد زیادی از مردم به سواحل جنوبی خلیج فارس گریختند.<sup>۱۶</sup> هلندی‌ها همچنین گزارش می‌دهند زمانی که زاهد علی خان افغانی وارد بندرعباس شد از انگلیسی‌ها فقط شش تومان باج گرفت و آن را به توافق آنها برای واگذاری کشتی به افغان‌ها به منظور سرکوب شیخ راشد نسبت می‌دهند.<sup>۱۷</sup> آخرین بخش کتاب به اوضاع هرمز در ۴۱-۱۱۴۰ق. / ۲۹-۱۷۲۸م. اختصاص دارد. نایسامانی اوضاع در بندرعباس هر دو شرکت هند شرقی انگلیس و هلند رابه جستجوی گریزگاه مناسبی واداشت، به طوری که هلندیان انتقال به هرمز و انگلیسی‌ها نقل مکان به قشم و لارک را مورد بررسی قرار دادند. پیترو اتلام نماینده واک در بندرعباس بر این باور بود که هرمز برای افغان‌ها اهمیتی ندارد - اشتباهی که جان خود را برسر آن نهاد - و تصرف آن برای واک از دو جهت دارای اهمیت است: اول اینکه حکومت ایران به پرداخت بدهی خود و دادن امتیازات جدید ناگزیر می‌شود و دوم بازرگانی جزیره - که با تصرف آن نیمی از عواید گمرک آن به شرکت هلند تعلق می‌گرفت - رونق می‌یابد.<sup>۱۸</sup> هرمز در آن زمان مورد توجه شرکت هند شرقی هلند، انگلیس و شیخ‌رحمه رئیس جلفارو فرمانده قواسم و از مهم‌ترین بازرگانان خلیج فارس قرار داشت که به هم‌کشی خود با اهالی

◀ این کتاب به وقایع ایران در روزگار سلطه اشرف افغان در سال‌های ۴۱-۱۱۳۷ق. / ۲۹-۱۷۲۵م می‌پردازد.

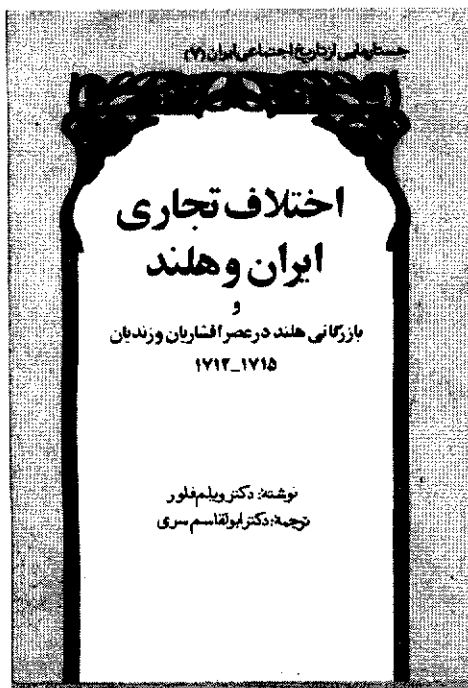
◀ دوره پراشوب هجوم و تسلط افغانه در سال‌های ۴۳-۱۱۳۴ق. / ۳۰-۱۷۲۲م که دستگاه اداری و دیوانسالاری (که یکی از وظایفش ثبت تاریخ رسمی بود) فرو ریخته بود، فاقد تاریخ‌نگاری رسمی بوده، منبع تاریخی چندانی ندارد.

◀ قسمت اعظم این کتاب به گزارش اوضاع خلیج فارس اختصاص دارد.

حامیان اصلی محمد میرزا مدعی سلطنت صفوی بود که نام فعلی و محل آن دقیقاً مشخص نیست.

۴ اختلاف تجاری ایران و هلند و بازرگانی هلند در عصر افشاریان و زندیان ۱۷۱۵-۱۷۱۲، ترجمه ابوالقاسم سزّی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۱.

این کتاب به بررسی مناسبات بازرگانی شرکت هلند و حکومت ایران در سه بخش می‌پردازد: بخش اول تحت عنوان «اختلافات تجاری ایران و هلند» دعاوی بازرگانی این دور را در سال‌های ۳۱-۱۱۲۴ ق / ۱۷۱۲-۱۸ م. یعنی در روزگار سلطنت شاه سلطان حسین در هشت قسمت بررسی می‌نماید. «بازرگانی هلند در عصر افشاریان» و «افول شرکت هلند خاوری هلند در بندرعباس» عناوین بخش‌های دوم و سوم را تشکیل می‌دهند.



مؤلف در مقدمه بخش اول که مفصل‌ترین بخش کتاب می‌باشد از این نظریه که توسعه طلبی اروپائیان یکی از عوامل عقب‌ماندگی کشورهای آسیایی است، انتقاد می‌کند و می‌نویسد این تئوری‌ها و مدل‌ها گاه به ساده‌سازی بیش از حد و کاربرد گزینشی دانسته‌ها انجامیده از گذشته تصویری می‌آفریند که برای معاصرانی که دست‌اندرکار تجزیه و تحلیل دوره تاریخی مورد بحث هستند نامفهوم و به تمامی بیگانه می‌نماید.<sup>۲۱</sup> او همچنان که خود اشاره می‌کند با تحقیق پیرامون روابط بازرگانی شرکت هلند و حکومت ایران در سال‌های ۳۱-۱۱۲۴ ق. سعی در توجه به واقعیات تاریخی و نفس واقعی امور داشته، می‌خواهد نشان دهد که در سراسر این دوره اروپائیان به سختی راهی قانونی برای حفظ حقوق خود در برابر هوا و هوس‌های حکمرانان داشته‌اند.<sup>۲۲</sup>

فلور به بررسی پیشینه تاریخی واک در ایران از سال ۱۰۳۲ ق / ۱۶۲۳ م. یعنی از زمان فرمانروایی شاه‌عباس اول تا سلطنت شاه سلطان حسین و ارزیابی

جزیره دلگرم بود.

مذاکرات و شرایط هرزمیان برای واگذاری این جزیره به هلند برجسته‌ترین مطالب کتاب می‌باشد. آنها به خصوص از هلندیان می‌خواستند که حافظ اهالی جزیره و زمین‌هایشان در جزیره میناب باشند و چنانچه زیانی در آنجا متوجه آنان شود آن را جبران نمایند. حال آنکه هلندیان قصد داشتند مالک مطلق العنان جزیره و همه ملحقات آن باشند بدون آنکه مجبور به دادن تعهدی در این زمینه شوند. اما رقابت سرسختانه انگلیسی‌ها به علاوه آشفتنگی وضع بندرعباس به هلندیان فرصت معامله‌ای مطلوب نمی‌داد، از این رو در ۱۱۴۰ ق. قراردادی بین آنها و هرزمیان منعقد شد که طبق آن واک متعهد به پرداخت مواجب ماهیانه صاحب‌منصبان و مستحقان قلعه هرمز و حفظ اراضی آنها در میناب گردید و در مقابل هرزمیان تعهد نمودند که اجازه ندهند هیچ ملتی به جز هلندیان به جزیره راه یابند. در این قرارداد نیمی از درآمدها و مالیات‌ها به شرکت هلند اختصاص داده شد و شرکت فقط حق داشت با تخلفات کارکنان خود طبق مقررات خویش رفتار نماید. این معاهده به مهر قاضی شرع هرمز موسوم به میرمحمد جعفر پسر میرسیدعلی سیدالثانی مهور شد و ۱۶ یوزباشی و ۴۵ مستحق معمولی به نمایندگی از سوی همه مستحقان آن را امضاء کردند.<sup>۱۹</sup> در این زمان طبق گزارش هلندیان شرکت هلند شرقی انگلیس شیخ چهاره چارکی رئیس قبیله عرب هول را به حمله به جزایر قشم و لارک ترغیب نمود تا بهانه‌ای برای نگه داشتن این دو جزیره داشته باشد. انگلیسی‌ها برای تقویت جایگاه خود در قشم از هرمز حتی بهره می‌جستند چنانکه وقتی مردم بندرعباس از وحشت تهاجم بلوچ‌ها در ۱۱۴۰ ق از این شهر می‌گریختند آنها را به سکونت در قشم تشویق می‌کردند تا تحت حمایت بریتانیا قرار گیرند.

تصرف هرمز عاقبت مطلوبی برای هلندیان در پی نداشت چراکه هرزمی‌ها از ورود آنها به قلعه ممانعت کردند و افغان‌ها نیز برای وادار نمودن ایشان به تخلیه جزیره نمایندگان شرکت در بندرعباس را به گروگان گرفتند که در نهایت به مرگ آنها انجامید. هلندیان همچنین در ۱۱۴۰ ق شورش یزد را که توسط یک مین‌باشی هدایت می‌شد گزارش می‌دهند. در این شورش یزدیان سپاه یعقوب خان قوللر آغاسی باشی حاکم شهر را در هم کوبیدند و سرانجام با حیل افغان‌ها به دام افتادند.<sup>۲۰</sup>

صرف‌نظر از فصول اصلی کتاب، سه گزارش و یادداشت به آخر کتاب ضمیمه شده است: گزارش اول در مورد وضعیت و پیشینه تاریخی هرمز، گزارش دوم درباره قلعه هرمز و سومین گزارش پیرامون حکومت افغانه در ایران می‌باشد. اما یکی از نواقص اساسی این کتاب ثبت متفاوت اسامی و درج آنها بر مبنای تلفظ هلندیان می‌باشد که این مسئله تشخیص اسامی را بسیار دشوار ساخته است. به‌طور مثال مؤلف بارها از محلی موسوم به «سندرک» یا «آندرک» در نزدیکی بندرعباس نام می‌برد که کلانتر آن میرجهانگیر از

این کتاب به طور عمد به موقعیت شرکت هلند شرقی هلند، مناسبات این شرکت با حکام و مطالبات گوناگون آنها، رقابت بازرگانی دو شرکت هلند شرقی هلند و انگلیس، منازعات گروه‌های رقیب و تأثیر فاجعه‌آمیز آن بر زندگی مردم، فعالیت مدعیان گوناگون وابسته به خاندان صفوی مانند محمد میرزا صفوی در خلیج فارس و وضعیت خلیج فارس در این دوره امعان نظر دارد.

نمایندگی مرکزی واک در بندرعباس، بزرگترین مرکز تجاری این شرکت در خاور نزدیک به شمار می‌آید ... بخش اول گزارشات مربوط به بندرعباس به تشریح وضع این بندر در سال‌های ۳۹-۱۱۳۷ ق / ۲۷-۱۷۲۵ م و بخش دوم در سال ۱۱۴۰ ق / ۱۷۲۸ م می‌پردازد.

مفاد قراردادهای منعقد شده با این شرکت می‌پردازد. همه این قراردادها بر این اصل استوار بودند که هلندیان در مقابل خرید مقدار معینی ابریشم از شاه به نرخ مصوب دربار از پرداخت عوارض گمرکی بر حجم مشخصی از صادرات و واردات خود معاف بودند. اما آنها زیرکانه این معافیت را به معافیت از پرداخت سایر مالیات‌ها و عوارض به ویژه عوارض راهداری تسری می‌دادند. بدیهی بود که واک با فرار از پرداخت حق راهداری موفق به صدور کالاهای خود با نرخ ارزان‌تری می‌شد چرا که مثلاً از اصفهان - محل خرید ابریشم - تا بندرعباس - محل صدور کالا - قریب چهل راهدارخانه وجود داشت که باید به همه آنها هزینه راهداری می‌پرداخت به علاوه اینکه این شرکت هرگاه قیمت ابریشم در بازار اروپا ترقی می‌یافت سعی در خرید هرچه بیشتر این محصول می‌کرد و در این میان افزون بر خرید ابریشم از شاه، از بازرگانان خصوصی نیز بدون پرداخت عوارض ابریشم خریداری می‌کرد. در مقابل اگر ابریشم در بازار جهانی سودآور نبود با بهره‌گیری از اشفنگی اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور از خرید ابریشم مقرر سر باز می‌زد، اما کالاهای خود را بدون پرداخت عوارض گمرکی صادر یا وارد می‌کرد امتیازی که طبق قرارداد فقط در ازای خرید ابریشم از شاه به آنها واگذار شده بود. هرگاه این اقدامات مورد اعتراض حکومت قرار می‌گرفت هلندیان با استفاده از قدرت دریائی خود بنادر ایران را محاصره کرده، حکومت مرکزی را وادار به امضاء قراردادی با شرایط مطلوب خود می‌نمودند.

هلندیان در اولین معاهده خود با شاه عباس اول در ۱۰۳۲ ق آزادی بازرگانی و معافیت از پرداخت عوارض گمرکی را تحصیل نموده، متعهد به پرداخت راهداری با نرخ معمولی گردیدند. جانشین شاه عباس، شاه صفی (۵۲-۱۰۳۹ ق / ۴۱-۱۶۲۹ م) اگرچه در هنگام جلوسش امتیازات هلندیان را به رسمیت شناخت اما به دنبال اقدام این شرکت در خرید ابریشم از تجار خصوصی بدون پرداخت عوارض، این امتیازات را در ۱۰۴۸ ق / ۱۶۳۸ م. لغو نمود که منجر به اختلاف شدید وی و هلندیان گردید. تداوم این اختلاف در زمان شاه عباس دوم (۷۷-۱۰۵۲ ق / ۶۶-۱۶۴۲ م) به مسدود شدن خلیج فارس از سوی هلندیان انجامید. شرکت هلند در ۱۰۵۵ ق / ۱۶۴۵ م<sup>۲۳</sup> با استفاده از ناوگان دریائی خود جزیره قشم را بمباران نمود، بندرعباس را محاصره کرد و از این راه موفق به عقد معاهده‌ای با شاه صفوی در ۱۰۶۲ ق / ۱۶۵۲ م. شد که طبق آن شرکت هلند آزادی بازرگانی، معافیت از پرداخت حقوق گمرکی، حمل و نقل کالا بدون بازرسی و عدم اجبار (و نه معافیت) در پرداخت عوارض راهداری را به دست آورد و در مقابل متعهد به خرید ۳۰۰ کارخا<sup>۲۴</sup> ابریشم از شاه شد. اما در این قرارداد آنها از صدور مسکوکات منع گردیدند. در زمان شاه سلیمان (۱۰۶ - ۱۰۷۷ ق / ۹۴-۱۶۶۶ م) هلندیان حاضر به خرید مقدار ابریشم مقرر در قرارداد ۱۰۶۲ ق نشده، از پرداخت راهداری نیز امتناع نمودند و شاه سلیمان اناگیز به انعقاد قراردادی کردند که در آن

علاوه بر معافیت‌های گذشته، از پرداخت عوارض راهداری نیز معاف گردیدند. در ۱۱۱۲ ق / ۱۷۰۱ م معاهده جدیدی بین شاه سلطان حسین و نماینده شرکت هلند هوخاکامر امضاء شد که در آن با تلاش مشارالیه مقدار ابریشمی که شرکت متعهد به خرید از شاه گردید به ۱۰۰ کارخا کاهش یافت. مؤلف در این قسمت به بررسی اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران در زمان شاه سلطان حسین می‌پردازد که در اصل تکرار بخشی از مطالب تألیف دیگر وی برافتادن صفویان، برآمدن محمود افغان می‌باشد. فلور ناسنی راه‌ها، کاهش ارزش پول ایران، ناتوانی بازرگانان در پرداختن پول نقد و گرانی و فقر را بارزترین ویژگی‌های اقتصادی کشور در این دوره می‌داند. علت یابی اختلاف تجارتهای ایران و هلند در سال‌های ۱۱۲۴-۲۷ ق / ۱۵-۱۷۱۲ م. از دیگر مطالب بخش اول کتاب می‌باشد. این دعوا به طور عمده ناشی از مرافعه‌های قدرت‌طلبانه نمایندگان واک در بندرعباس و اصفهان بود. بدین معنا که این دو نمایندگی که بعد از انتقال شعبه مرکزی واک از اصفهان به بندرعباس همواره با هم رقابت داشتند در سال ۱۱۲۴ ق / ۱۷۱۲ م. آنچنان آشکار و خصمانه رو در روی یکدیگر قرار گرفتند که به مداخله مقامات ایرانی انجامید و طی آن دفاتر تجارتهای شرکت در اختیار آنها قرار گرفت. در بررسی این دفاثر روشن شد که نمایندگی شرکت هلند در بندرعباس مقادیر بسیاری دوکا بدون پرداخت عوارض گمرکی از ایران صادر نموده است. طلا یا دوکای طلای ویزی به همراه ابریشم و پشم از مهمترین اقلام صادراتی ایران به شمار می‌رفت. شرکت هلند به علت نوسانات دائمی ارزش پول ایران که به طور عمده از بی‌ثباتی و نابسامانی اوضاع سیاسی ناشی می‌شد اجتناس خود را در مقابل دوکا به بازرگانان می‌فروخت و آن را به منظور تجارت با سورات، کرماندل و اندونزی صادر می‌نمود. در هیچ‌یک از قراردادهای منعقد شده بین شرکت هلند و حکومت ایران از صدور طلا بدون عوارض گمرکی سخنی به میان نیامده است. چنانچه سفیر اعزامی شرکت در ۱۱۲۸ ق / ۱۷۱۶ م. نیز این موضوع را تأیید نموده، می‌گوید ایرانیان هیچگاه حقی برای صدور دوکا بدون پرداخت عوارض را منظور نکرده، فقط آن را با دیده اغماض نگریسته بودند<sup>۲۵</sup>. اما مقامات شرکت بر این باور بودند که این معافیت از فحوای قرارداد امضاء شده با هوخاکامر در ۱۱۱۲ ق فهمیده می‌شود. شاه سلطان حسین پس از اطلاع از صدور دوکا بدون پرداخت عوارض فرمانی صادر نمود که طبق آن کلیه کاروان‌ها باید پیش از خروج از ایران بازرسی شوند و به دنبال آن شاهقلی خان اعتمادالدوله قرارداد جدیدی به هلندیان پیشنهاد نمود که طبق آن آنها باید سالانه ۳۰۰ کارخا ابریشم از شاه خریداری نموده، عوارض صدور طلا را بپردازند و در مقابل سالیانه بخشی از صادرات و واردات آن شرکت به ارزش ۲۰۰۰۰ تومان<sup>۲۶</sup> از مالیات معاف باشد. اعتمادالدوله هلندیان را تهدید نمود که در صورت عدم موافقت با این پیشنهاد یا باید همه عوارض را بپردازند و یا از ایران خارج شوند چه به زعم او آنها در ازای ورود چند قلم کالای بی‌ارزش به

◀ این کتاب به بررسی مناسبات بازرگانی شرکت هلند و حکومت ایران در سه بخش می‌پردازد: ۱- اختلافات تجاری ایران و هلند و دعوی بازرگانی این دو در سال‌های ۳۱-۱۱۲۴ ق / ۱۸-۱۷۱۲ م یعنی در روزگار سلطنت شاه سلطان حسین. ۲- بازرگانی هلند در عصر افشاریان ۳- افول شرکت هلند خاوری هلند در بندرعباس.

◀ فلور ناسنی راه‌ها، کاهش ارزش پول ایران، ناتوانی بازرگانان در پرداختن پول نقد و گرانی و فقر را بارزترین ویژگی‌های اقتصادی کشور در دوره شاه سلطان حسین می‌داند.

◀ در این کتاب دلایل افول شرکت هلند خاوری هلند در بندرعباس در سالهای ۷۲-۱۱۶۰ ق / ۵۹-۱۷۴۷ م و تعطیلی تجارتخانه این شرکت که بر بستر پاره‌ای عوامل داخلی و نقش فزاینده اعراب خلیج فارس قرار داشت، بررسی می‌گردد.



◀ در بخش سوم کتاب درگیری مدعیان گوناگون افشار، بختیاری، زند، افغان و قاجار و تأثیر آن بر اوضاع بندرعباس و منازعات اعراب مسقط و هولیان چارک با قواسم جلفار (راس الخیمه) و ایرانیان و پیامد آن بر تجارت خلیج فارس تشریح شده است.

◀ عنوان‌های غیر دقیق و آشفته کتاب («اختلاف تجاری ایران و هلند و بازرگانی هلند در عصر افشاریان و زندیان ۱۵-۱۷۱۲») و «جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریان و زندیان ۱۵-۱۷۱۲ م» خواننده را دچار سردرگمی می‌سازد... زیرا اولاً این کتاب به مرافعه‌های تجاری شرکت هلند و ایران در سال‌های ۱۸-۱۷۱۲ م امعان‌نظر داشته و ثانیاً این سال‌ها با روزگار افشار و زند مطابقت ندارد.

ایران، مسکوک صادر می‌نمایند. در ۱۱۲۷ ق / ۱۷۱۵ م شاه به منظور مذاکره پیرامون این اختلافات و نیز شکایت از نماینده شرکت در بندرعباس به خاطر ارتباط با اعراب مسقط، سفیری به نام محمدرضا بیگی را به باتاویا اعزام نمود و شرکت نیز در پاسخ نماینده‌ای به ایران فرستاد. سه قسمت از بخش اول کتاب به شرح مأموریت این سفیر موسوم به کتلاز اختصاص دارد. سفیر واک در این سفر حق تجارت آزاد را مجدداً تحصیل نمود اما شرکت موظف به پرداخت عوارض صدور دوکا شده، با تفتیش کاروان‌هایش توسط ایرانیان موافقت نمود. در همین زمان اعراب مسقط بحرین را تصرف کردند و اعتمادالدوله از سفیر شرکت تقاضا نمود چند کشتی برای حمله به تازیان مسقط در اختیار حکومت گذارد اما کتلاز این درخواست را رد نمود.

در قسمت پنجم از بخش اول کتاب دشواری‌های بازرگانی پشم در کرمان در ۲۹-۱۱۲۸ ق / ۱۷۱۶-۱۷۱۶ م بررسی می‌شود. تجارت این کالا که از ۱۰۶۸ ق / ۱۶۵۸ م آغاز شده بود با افت و خیزهایی تا ۱۱۵۳ ق / ۱۷۴۰ م ادامه یافت. خرید پشم بدینگونه بود که کارگزاران شرکت‌های اروپایی با پرداخت مساعده به بازرگانان پشم، آن را بین گله‌داران توزیع نموده، پشم را پیش خرید می‌کردند. اما این شرکت‌ها حریصانه تمام پشم موجود در بازار را خریده، چیزی برای بافندگان محلی باقی نمی‌گذارند. از این رو تجارت این کالا معمولاً با منافع بافندگان محلی در تعارض بود. حکومت برای حمایت از منافع این بافندگان شرکت‌های اروپایی را فقط به خرید پشم بزموظف نموده بود. اما این شرکت‌ها همواره با پرداخت رشوه به بیگلربیگی کرمان از اجرای این قانون سرباز می‌زدند و هرگاه با اعتراض بافندگان مواجه می‌شدند آن را به توطئه رقیبا نسبت می‌دادند.<sup>۲۷</sup> در این قسمت رقابت دو شرکت هند شرقی هلند و انگلیس برای خرید ابریشم، حمله بلوچان به کرمان و تاراج این شهر در ۱۱۲۸ ق / ۱۷۱۶ م و نیز فعالیت مردی موسوم به عبدالخالق که چهارصد مرد جنگی تحت فرمان داشت و از مردم در برابر تخلفات بیگلربیگی کرمان ابراهیم‌خان حمایت می‌نمود، گزارش شده است. بخش دوم تحت عنوان بازرگانی هلند در عصر افشاریان به رابطه شرکت هلند و مسقط در سال‌های ۷۱-۱۱۶۹ ق / ۱۷۵۶-۵۸ م. اختصاص دارد. اساساً مناسبات این دو - که از مباحث مهم تاریخ خلیج فارس در قرن یازدهم و دوازدهم هجری / هفدهم و هجدهم میلادی می‌باشد - از وضعیتی باثبات برخوردار بوده، در هنگام توانمندی این حاکم نشین مبتنی بر نوعی توازن قدرت بود. بدین معنا که هر دو ناوگان دریائی قدرتمندی داشتند و هیچیک حاضر به درگیری با دیگری نبود. به علاوه شرکت هلند چندان از فعالیت مسقطیان علیه ایران ناراضی نبود، چراکه همواره اندیشه تهاجم آنها به بنادر و جزایر ایران و نیاز ایران به ناوگان دریائی هلند برای مقابله با این تهاجم حکومت را به نرمی در برابر هلندیان وامی‌داشت به طوری که آنها که همواره درخواست حکومت ایران را برای اجاره یا فروش کشتی سرسختانه رد می‌کردند در پاسخ به

تقاضای امام مسقط احمدبن سعید برای خرید کشتی در سال ۱۱۶۹ ق / ۱۷۵۶ پس از قیمت‌گذاری، آن را به مشارالیه فروختند. شرکت هلند بعد از تأسیس نمایندگی خود در خارک تصمیم به آغاز مناسبات بازرگانی با مسقط گرفت تا بتواند در صورت افزایش قیمت برخی از کالاها در آنجا، آن کالاها را از بندرعباس به مسقط صادر نمایند. اما به زودی دریافت که این تجارت برای شرکت چندان سودآور نیست چه معمولاً هر کالائی که در مسقط فروخته می‌شد به علت انتقال سریع آن به سایر قسمت‌های خلیج فارس دیگر خریداری در خارک نداشت. از این رو کمتر از دو سال بعد این رابطه بازرگانی قطع گردید اما روابط دوستانه آنها همچنان ادامه یافت، به طوری که وقتی میرمهنا خارک را در ۱۱۷۹ ق تصرف نمود گروهی از هلندیان به مسقط گریختند و امام آنجا برای کمک به آنها به منظور بازپس‌گیری این جزیره اعلام آمادگی کرد.

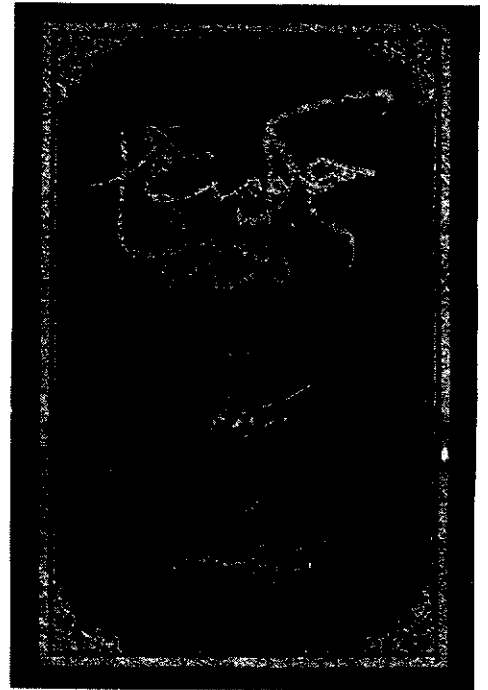
بخش سوم دلایل افول شرکت هند خاوری هلند در بندرعباس در سال‌های ۲۲-۱۱۶۰ ق / ۱۷۴۷-۵۹ م. و تعطیلی تجارتخانه این شرکت که بر بستر پاره‌ای عوامل داخلی و نقش فزاینده اعراب خلیج فارس قرارداشت، بررسی می‌گردد. در این بخش درگیری مدعیان گوناگون افشار، بختیاری، زند، افغان و قاجار و تأثیر آن بر اوضاع بندرعباس و منازعات اعراب مسقط و هولیان چارک با قواسم جلفار (راس الخیمه) و ایرانیان و پیامد آن بر تجارت خلیج فارس تشریح شده است. شرکت هلند که بعد از عدم توافق با تجار اصفهانی بر سر قیمت کالاها، شبهه مرکزی خود را در ۱۱۰۳ ق / ۱۶۹۲ م به بندرعباس منتقل نموده بود در ۱۱۷۲ ق / ۱۷۵۹ م به دلیل ناامنی خلیج فارس و دوری بندرعباس از راه‌های معمولی بازرگانی فعالیت تجارتخانه خود را در این بندر متوقف کرد، به ویژه اینکه بعد از تأسیس نمایندگی شرکت هلند در خارک، بوشهر که برای این تجارتخانه به مثابه دروازه ایران به حساب می‌آمد، اهمیت صدچندان یافت و افزون بر آن از راه بوشهر شهرهایی مانند اصفهان، شیراز و یزد به آسانی قابل دسترسی بود. از این رو دیگر بندرعباس که به زعم هلندیان در این شرایط فقط به دلیل فعالیت تجاری شرکت هند خاوری انگلیس - که در این بندر سرب، آهن و مصنوعات ارزان قیمت می‌فروخت - هنوز رونقی داشت، حائز ارزش نبود.

اما صرف‌نظر از مطالب ارزشمند این کتاب، عناوین غیردقیق و آشفته کتاب و فصول آن خواننده را تا حدودی دچار سردرگمی می‌سازد. عنوان کتاب در روی جلد «اختلاف تجاری ایران و هلند و بازرگانی هلند در عصر افشاریان و زندیان ۱۵-۱۷۱۲» می‌باشد و در صفحه شناسنامه عنوان «جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریان و زندیان (۱۵-۱۷۱۲ م)» ذکر شده است. اما باید در نظر گرفت که اولاً این کتاب به مرافعه‌های تجاری شرکت هلند و ایران در سال‌های ۱۸-۱۷۱۲ م. امعان‌نظر داشته و ثانیاً این سال‌ها با روزگار افشار و زند مطابقت ندارد. همین آشفتگی در عنوان بخش دوم نیز مشاهده می‌گردد بدین

معنا که عنوان این بخش در صفحه فهرست 'بازرگانی هلند در عصر افشاریان' است اما در کتاب 'بازرگانی هلند با مسقط' که عنوان دقیق تری می باشد، درج شده است چرا که این بخش مناسبات شرکت هلند و مسقط را در سال‌های ۵۸-۱۷۵۶ م. بررسی می کند که مقارن با دوره زند و نه افشار می باشد. چاپ اشتباه برخی از تاریخ‌ها نقیصه دیگر این کتاب می باشد، چنانکه در صفحات ۲۳، ۱۰۳، ۱۷۷، ۱۸۹ و ۲۸۲ تاریخ‌ها غلط درج گردیده است.

۵ حکومت نادرشاه، ترجمه ابوالقاسم سزای، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۸.

این کتاب وقایع ایران در روزگار فرمانروایی نادرشاه را در سال‌های ۶۰-۱۱۴۲ ق / ۴۷-۱۷۳۰ م. مورد بررسی قرار می دهد. ایران اگرچه در دوره وکالت و فرمانروایی نادر (۶۰-۱۱۴۴ ق / ۴۷-۱۷۳۲ م) با اخراج روس‌ها، ترک‌ها و افغان‌ها یکپارچگی سیاسی خود را بازیافته در عرصه خارجی کشوری مقتدر شد، اما در عرصه داخلی آنچه از سازمان اقتصادی و اجتماعی کشور از روزگار پراشوب حکومت افغانه به جای مانده بود، ویران گردید. بدون شک نادر در صحنه نظامی



فرماندهی لایق و با **ایستادگی** بود اما در ساماندهی اوضاع اقتصادی و اجتماعی فرمانروایی با لیاقت نمی نمود، چرا که نه مجالی برای این امر یافت و نه بینش نظامی‌اش اهمیت برای این امور قائل بود که او همه کشور را در خدمت سپاه دوپست هزار تنه خود که مانند ابری از ملخ همه چیز را می بلعیدند قرار داده بود.<sup>۲۹</sup> این کتاب برخلاف بسیاری از منابع به شرح دلیری‌ها و رشادت‌های نادر دوران، تاجبخش هندوستان و خوارزم و سرزمین ازبکان<sup>۳۰</sup> اختصاص ندارد، بلکه اوضاع اجتماعی - اقتصادی کشور و مصائب و فجایع زندگی مردم را مانند طاعون همدان و خشکسالی اصفهان در

۱۱۴۳ ق / ۱۷۳۱ م، طاعون سیرجان و کرمان در ۱۱۴۷ ق / ۱۷۳۵، هجوم ملخ به بندرعباس در ۱۱۵۲ ق / ۱۷۳۹ م و تأمین هزینه ایلچیان و چاپارها که صرف نظر از مخارج قشون بار سنگینی بر گردن مردم تحمیل می نمودند، گزارش می دهد.

کتاب در سه فصل و یک ضمیمه تنظیم شده است. فصل اول تحت عنوان 'دولت نادرشاه به روایت منابع هلندی' به روند قدرت‌یابی نادر با تأکید بر اوضاع اصفهان می پردازد. هلندیان که به علت بی توجهی نادر به امور بازرگانی و مطالبات مکرر او از شرکت‌های اروپایی، نظر مساعدی نسبت به وی نداشتند، ویرانی اصفهان در اثر سیاست‌های خانمان‌برانداز دولت افشاری برای تأمین هزینه قشون را شرح می دهند. مصادره اموال کشته‌شدگان و عزل یافتگان و وادار نمودن مردم و بازرگانان به خرید اجناس مصادره شده، خریدن غلات و برنج از زارعین و تجار به قیمتی کمتر از قیمت واقعی آن و مجبور کردن ایشان به ابتیاع مجدد آن با قیمتی بالاتر، از شیوه‌های معمول کسب درآمد برای سپاه بود. به گزارش منابع هلندی تأمین هزینه لشکرکشی‌های نظامی چنان مردم را به ستوه آورده بود که هنگامی که نادر در ۱۱۴۸ ق / ۱۷۳۶ م. برای آگاهی او وضع ثروت کشور فرمان داد که خانه‌های مسکونی اصفهان را سرشماری کنند فقط ۸۰۰۰ خانه در شهر باقی مانده بود حال آنکه در زمان پادشاهی شاه سلطان حسین ۹۰۰۰۰ و در سال ۱۱۳۹ ق / ۱۷۲۷ م. ۴۰۰۰۰ خانه مسکونی در شهر وجود داشت.<sup>۳۱</sup>

فصل دوم به وضع کرمان در ۵۳-۱۱۴۲ ق / ۴۰-۱۷۳۰ اختصاص دارد. آخرین گزارشات شرکت هلند از این شهر مربوط به سال ۱۱۵۳ ق می باشد که در این سال به علت گرانی و نامرغوب بودن پشم این شرکت شعبه خود را در کرمان تعطیل نموده، دیگر منبعی برای گزارش اوضاع این شهر در اختیار ندارد. کرمان در این زمان وضعی رقت‌انگیزتر از اصفهان داشت چرا که این شهر مرکز تهیه و تولید پشم بود و نادر برای تهیه البسه زمستانی سپاه خود از ساکنان آن که به طور عمده در زمینه تولید و بافتن پارچه‌های پشمی فعالیت داشتند مطالبات سنگینی می نمود. در این فصل فعالیت انحصارطلبانه هر دو شرکت هند شرقی انگلیس و هلند در زمینه تهیه پشم و دشواری‌های زندگی بازرگانان جزء و شال باقان تشریح شده است. این دو شرکت که از هیچ اقدامی علیه یکدیگر رویگردان نبودند، در مواقع ضروری دست به اقدام مشترک می زدند. چنانکه وقتی در ۱۱۴۸ ق / ۱۷۳۶ م چند بازرگان درصدد فعالیت مستقل برای تجارت پشم برآمدند هر دو شرکت در عملی هماهنگ بازرگانان عمده را تهدید نمودند که در صورت فروش پشم به این تاجران از آنها پشم نخواهند خرید.<sup>۳۲</sup> این شرکت‌ها هر ساله مقدار عظیمی پشم خریده و تعداد کثیری از مردم را برای تنظیف و مرتب کردن آن استخدام می کردند. اما پس از خرید، آماده‌سازی و صدور پشم دیگر پشمی در بازار باقی نمی ماند که بافندگان محلی بتوانند سفارشات بی پایان

◀ این کتاب وقایع ایران در روزگار فرمانروایی نادرشاه در سال‌های ۶۰-۱۱۴۲ ق / ۴۷-۱۷۳۰ م را مورد بررسی قرار می دهد.

◀ بدون شک نادر در صحنه نظامی، فرماندهی لایق و باکفایت بود اما در ساماندهی اوضاع اقتصادی و اجتماعی فرمانروایی با لیاقت نمی نمود، چرا که نه مجالی برای این امر یافت و نه بینش نظامی‌اش اهمیت برای این امور قائل بود.

◀ این کتاب اوضاع اجتماعی - اقتصادی کشور و مصائب و فجایع زندگی مردم را مانند طاعون همدان و خشکسالی اصفهان در ۱۱۴۳ ق / ۱۷۳۱ م، طاعون سیرجان و کرمان در ۱۱۴۷ ق / ۱۷۳۵ م، هجوم ملخ به بندرعباس در ۱۱۵۲ ق / ۱۷۳۹ م و تأمین هزینه ایلچیان و چاپارها که صرف نظر از مخارج قشون، بار سنگینی بر گردن مردم تحمیل می نمود، گزارش می دهد.

◀ مهم‌ترین و آخرین فصل کتاب به بررسی اوضاع خلیج فارس در روزگار نادر اختصاص دارد. این فصل به تلاش نادر برای راه اندازی ناوگان دریایی در خلیج فارس، رابطه حکومت مرکزی با اعراب و شیوخی چون شیخ راشد باسعید و شیخ مذکور بوشهری، رابطه اعراب و شرکت‌های اروپایی، مناسبات حکومت مرکزی و شرکت‌های اروپایی، رقابت دائمی دو شرکت هند خاوری هلند و انگلیس، اعطای آزادی تجارت در بوشهر به شرکت هند خاوری هلند و شورش محمد تقی خان بیگلربیگی فارس می‌پردازد.

◀ در کتاب از اصطلاحاتی استفاده شده که معنای آن به درستی روشن نیست مثلاً کلمه «همقلم» که معنا و معادل آن در سلسله مراتب دیوانی و یا مناصب و مشاغل درباری بطور دقیق مشخص نمی‌باشد.

نادر را برای تهیه شال و پارچه‌های دیگر تأمین نمایند. از این رو در ۱۱۴۴ ق / ۱۷۳۲ م پانصد نفر از مردم به بیگلربیگی شکایت بردند که به سبب خرید و صدور پشم توسط اروپائیان بیکار و گرسنه شده‌اند. اما علی‌رغم تکرار این شکایت در سال بعد، هر دو شرکت با پرداخت رشوه به بیگلربیگی به کار خویش ادامه دادند.

مهم‌ترین و آخرین فصل کتاب به بررسی اوضاع خلیج فارس در روزگار نادر اختصاص دارد. این فصل به تلاش نادر برای راه‌اندازی ناوگان دریایی در خلیج فارس، رابطه حکومت مرکزی با اعراب و شیوخی چون شیخ راشد باسعید و شیخ مذکور بوشهری، رابطه اعراب و شرکت‌های اروپایی، مناسبات حکومت مرکزی و شرکت‌های اروپایی، رقابت دائمی دو شرکت هند خاوری هلند و انگلیس، اعطای آزادی تجارت در بوشهر به شرکت هند خاوری هلند و شورش محمد تقی خان بیگلربیگی فارس می‌پردازد.

مناسبات حکومت مرکزی و شرکت‌های اروپایی در خلیج فارس نسبت به سایر شهرها مانند اصفهان و کرمان از پیوستگی بیشتری برخوردار بود چرا که حکومت مرکزی در صدد بود برای اعمال حاکمیت خود بر اعراب مسقط و عمان که از هرج و مرج روزگار افغانه استفاده کرده، بحرین را متصرف شده و تجارت در خلیج فارس را ناامن کرده بودند، از تجهیزات شرکت‌های اروپایی بهره جوید. نادر تصمیم داشت برای مقابله با اعراب در خلیج فارس نیروی دریایی ایجاد نماید.<sup>۳۳</sup> اما اگرچه برقراری امنیت در منطقه مورد توجه اروپائیان نیز بود، تأسیس ناوگان دریایی که به باور نادر نمادی از قدرت حاکمیت مرکزی بود، موقعیت برتر آنها را در خلیج فارس تهدید می‌نمود. آنها از فرورپاشی حکومت صفویه و آشوب روزگار افغانه به خوبی بهره برده، در قشم، لار و هرمز تکیه‌گاهی یافته بودند و طوری در بندرعباس زندگی می‌کردند که به قول شاهبندر بندرعباس گوئی حاکم و والی شهرند.<sup>۳۴</sup> هلندیان در زمان فرار افغان‌ها از فرصت استفاده کرده، قلعه بندرعباس را تصرف کردند و دژ پرتهالی‌ها را که مشرف بر جایگاهشان بود ویران نمودند. ایشان هرمزبان را که برای مقابله با حملات افغانه از آنها یاری خواسته بودند، تحت فشار قرار دارند که رسماً فرمانبرداری خود را از واک اعلام نمایند.<sup>۳۵</sup> بنابراین تأسیس نیروی دریایی از دو جهت مغایر با منافع آنها بود: اولاً شرکت‌های اروپایی همواره از تعهدات خویش نسبت به حکومت مرکزی سرباز زده، از ناتوانی حکومت مرکزی برای پیشبرد مقاصد خود استفاده می‌کردند. به طور مثال با آغاز انحطاط دولت صفوی شرکت هند خاوری هلند از پرداخت مبلغ سالانه مقرر به حکومت امتناع نمود. ثانیاً ضعف نیروی دریایی ایران امکان قدرت‌نمایی بیشتری را به شرکت‌های اروپایی می‌داد. در این فصل به کشمکش نادر و شرکت هلند برای اجاره و فروش کشتی توجه شده است. هلندیان فروش کشتی به نادر را مشروط به دو شرط نموده بودند: اول: از این کشتی‌ها برای حمله به مسقط، بصره و هند که هلندیان با آنها مناسبات

دوستانه‌ای داشتند استفاده نشود و دوم: حکومت مرکزی امکان وصول دعاوی آنها از عواید گمرکات بندرعباس را فراهم آورد. رابطه اعراب و شرکت‌های اروپایی که هر دو وجود حکومت مرکزی مقتدر را مغایر با منافع خود می‌دانستند بسیار دوستانه بود. هلندیان آشکارا از اینکه تازیان مسقط دیگر مانند سال ۱۱۳۰ ق / ۱۷۱۸ م قدرتمند نیستند اظهار تأسف کرده می‌نویسند: «ای کاش هنوز همچنان نیرومند می‌بودند تا مدت‌ها پیش ناوگان ایران را یکباره نابود می‌کردند.»<sup>۳۶</sup> و انگلیسی‌ها، ایرانی‌ها را در جریان نبرد علیه اعراب مسقط در ۱۱۵۱ ق / ۱۷۳۸ م تنها گذاشتند. هر بار که کشتی‌های هلندی و انگلیسی توسط هولیان چارک توقیف می‌شد، شیخ رحمت‌بن فیصل به سرعت عذر طلبیده، آنها را برمی‌گرداند و اظهار امیدواری می‌کرد که روابط دوستانه فیما بین همچنان ادامه یابد.

شرکت هند خاوری هلند همچنین در این زمان به پیشنهاد لطیف‌خان فرمانده ناوگان نادر در خلیج فارس، انتقال شعبه خود از بصره به بوشهر را بررسی کرده، اجازه‌ای از محمدتقی خان بیگلربیگی فارس برای آزادی تجارت در بوشهر در ۱۱۵۱ ق به دست آورد. در این کتاب نیز مانند تألیف دیگر فلور - اشرف افغان بر تختگاه اصفهان - بسیاری از اسامی قابل شناسایی و تشخیص نمی‌باشند. مشکلی که به نظر می‌رسد مترجم نیز راه‌حلی برای آن نیافته و با درج عین کلمه در متن اصلی تشخیص آن را به عهده خواننده گذارده است. صرف نظر از این مسئله برخی از اسامی نیز با آنچه در سایر منابع ضبط شده، مغایرت دارد. به طور مثال اکثر منابع تاریخی نام رهبر شورش بختیاری‌ها را در ۱۱۴۵ ق / ۱۷۳۳ م علی مرادخان یا علی مراد خان بختیاری<sup>۳۷</sup> ذکر کرده‌اند، حال آنکه منابع هلندی نام او را شاه مراد بختیاری عنوان نموده‌اند. در کتاب همچنین از اصطلاحاتی استفاده شده که معنای آن به درستی روشن نیست. مثلاً کلمه «همقلم» که معنا و معادل آن در سلسله مراتب دیوانی و یا مناصب و مشاغل درباری به طور دقیق مشخص نمی‌باشد.

۶] هلندیان در جزیره خارک (خلیج فارس) در عصر کریم‌خان زند، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۱.

این کتاب به وقایع خلیج فارس در روزگار کریم‌خان زند در سال‌های ۷۹-۱۱۶۳ ق / ۶۶-۱۷۵۰ م. پرداخته، تصویر روشنی از مناسبات و روابط حکام و امرای گوناگون در خلیج فارس را که فی‌الواقع بازتابی از منافع بازرگانی آنها بود، ارائه می‌دهد. مؤلف در دو بخش چگونگی آغاز و انجام فعالیت هلندیان در خارک و وضعیت اقتصادی تجارتخانه آنها در این جزیره را ارزیابی نموده، در بخش سوم به اقدامات نادرشاه به منظور راه‌اندازی ناوگان دریایی در خلیج فارس پرداخته است.

بخش اول در بیست و هفت فصل به رویدادهایی که به تأسیس تجارتخانه شرکت هلند در خارک انجامید و نیز وقایعی که سقوط و اضمحلال نهائی آن را

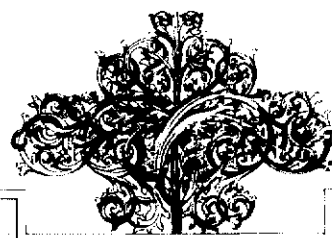
به دنبال داشت اختصاص یافته، اتحاد و توافق‌های مختلف در خلیج فارس را بررسی می‌کند. دلایل حضور هلندیان در خارک، روابط هلندیان با وغائی‌ها در بندر ریگ، مناسبات هلندیان با کریم‌خان، روابط هلندیان با برخی طوائف عرب مانند بنی کعب، روابط هلندیان با بوشهر، نقش حاکمان محلی دشتستان و برخی از طوائف عرب مانند هوله و قواسم، رقابت دو شرکت هند خاوری انگلیس و هلند، رقابت نمایندگان واک در خارک و بندرعباس که منجر به ازسرگیری رابطه تجاری با بصره شد و سرانجام اخراج هلندیان از خارک توسط میرمهنا اهم مباحث این بخش را تشکیل می‌دهند.

کساد بازر بصره در نیمه دوم قرن هجدهم به علاوه فشارهای حاکم بصره که رفتار «سرسختانه و مستقلانه» مدیر آلمانی تبار واک در بصره فن

چهارمین (تاریخ اقتصادی ایران) (۱۰)

## هلندیان در جزیره خارک (خلیج فارس)

در عصر کریمخان زند



کینه‌ها و سن نیز آن را تشدید می‌نمود، شرکت هلند را بر آن داشت که نمایندگی خود را از بصره به محل جدیدی منتقل نماید. به زودی خارک به دلیل موقعیت جغرافیایی ممتازش مورد توجه آنها قرار گرفت. این جزیره با ارونرود ۱۱۰ میل، با بوشهر ۲۰ میل، با بندر ریگ ۴۰ میل، با کویت ۱۴۰ میل و با بحرین و قطیف ۲۲۰ میل فاصله داشت، افزون بر اینکه بین خارک و خارگو نیز لنگرگاه مناسبی وجود داشت.<sup>۳۸</sup> اوضاع عمومی خلیج فارس در این زمان شرایط مطلوبی را برای تحقق هدف هلندیان در دستیابی به جزیره خارک فراهم آورد. بدین معنا که فقدان حکومت مرکزی مقتدر در ایران این منطقه را عرصه تاخت و تاز طوائف و حکام گوناگون نواحی ساحلی نموده بود، از این رو هر یک از این گروه‌ها به منظور حفظ و تأمین منافع سیاسی و بازرگانی خود در صدد یافتن متحدی نیرومند بودند. میرناصر وغائی امیر بندر ریگ در رقابت با بوشهر عزم رونق بخشیدن به تجارت بندر ریگ را داشت تا بتواند کاروان‌های تجاری بزرگ را به شیراز و سایر نواحی

داخلی ایران اعزام نماید و از این طریق با بازرگانان معتبر و ثروتمند بوشهر که مالک سهم اعظم کاروان‌هایی بودند که از داخل ایران به نواحی ساحلی می‌آمدند، رقابت نماید که این امر مستلزم پیوستن به متحدی ثروتمند بود. به زودی منافع مشترک بازرگانی واک و میرناصر به انعقاد قراردادی برای آغاز فعالیت این شرکت در خارک در ۱۱۶۶ ق / ۱۷۵۳ م انجامید. هلندیان از یک سو با برقراری امنیت تجاری در خارک سعی در هدایت بسیاری از بازرگانان سرشناس گرجی، ارمنی و مسلمان به آنجا داشتند و از دیگر سو از تجارت ریگ حمایت می‌کردند چراکه تجار هنگام خرید کالاهای هلندی در بندر ریگ عوارض گمرکی آنها را به واک می‌پرداختند.<sup>۳۹</sup> اما از همان ابتدا شرایط واگذاری این جزیره به هلندیان مبهم بود و همین ابهام زمینه مناسبی برای اقدامات آینده میرمهنا علیه هلندیان فراهم آورد. بوشهر نسبت به فعالیت واک در خارک به شدت ظنین بود چراکه این تجارت به زیان بازرگانی این بندر بود و مهمتر از آن اینکه شیخ ناصر بوشهری بر این باور بود که هلندیان به بحرین که او به اتفاق یکی از اعراب هوله بر آن حکم می‌راند چشم طمع دوخته‌اند.<sup>۴۰</sup> از این رو شیخ بوشهر بی‌درنگ در پاسخ به اقدامات میرناصر و مختل نمودن تجارت خارک بر کالاهایی که از این جزیره وارد می‌شد، ده درصد عوارض وضع نمود. موضوع حمله به بصره که به زعم هلندیان برای عبرت گرفتن سایر حکام منطقه خلیج فارس و نیز حفظ منافع شرکت هلند ضروری می‌نمود به صف‌آرایی حاکمان بندر ریگ و بوشهر علیه یکدیگر منجر شد و بدین ترتیب جبهه متحد شیخ ناصر بوشهری و حاکم بصره در مقابل صف متفق میرناصر وغائی و شرکت هلند قرار گرفت. جنگ قدرت در خاندان وغائی و ظهور میرمهنا نقطه عطف جدیدی در تشکیل صف‌بندی‌ها بوده، عرصه تازه‌ای برای قدرت نمایی ائتلاف‌های مختلف بوجود آورد و فرصت مناسبی برای تجدید قدرت شرکت‌های اروپائی و اخذ امتیازات بیشتر در اختیار آنها نهاد.

بعد از قتل میرناصر و آغاز جدال بین پسرانش میرحسین و میرمهنا، میرحسین به اتفاق هلندیان و حاکم تنگسیر که از دشمنان شیخ ناصر بود از یک سو و میرمهنا و شیخ ناصر از سوی دیگر از مهم‌ترین گروه‌های متنازع بودند. هلندیان میرحسین را که از بازرگانی هلند در خارک حمایت می‌نمود یاری دادند تا نشان دهند که یک نیروی کوچک اروپائی قادر است کار ۵۰۰۰ مرد را انجام دهد و به این ترتیب از یک سو اعتماد ایرانی‌ها را برانگیزانند و از دیگر سو قدرت خود را به ساحل نشینان که به زعم آنها «کمتر از مردمان سایر بخش‌های آسیا از اروپائی‌ان می‌ترسند» نمایش دهند.<sup>۴۱</sup> به گزارش منابع هلندی شیخ سعدون نیز برای مقابله با میرمهنا در ۱۱۷۷ ق / ۱۷۶۴ م با انگلیسی‌ها پیمان تدافعی و تهاجمی امضاء نمود و در مقابل، حق انحصار بازرگانی پارچه پشمی و نیز سکونت در بوشهر را به آنها واگذارد. اما شیخ زیرکانه انحصار خرید کالاهای انگلیسی را در اختیار گرفت و به آنها فرصت

◀ این کتاب به وقایع خلیج فارس در روزگار کریم خان زند در سال‌های ۷۹-۱۱۶۳ ق / ۶۶-۱۷۵۰ م، پرداخته، تصویر روشنی از مناسبات و روابط حکام و امرای گوناگون در خلیج فارس را که فی‌الواقع بازتابی از منافع بازرگانی آنها بوده ارائه می‌دهد.

◀ مؤلف در دو بخش چگونگی آغاز و انجام فعالیت هلندیان در خارک و وضعیت اقتصادی تجارتخانه آنها در این جزیره را ارزیابی نموده، در بخش سوم به اقدامات نادر شاه به منظور راه اندازی ناوگان دریائی در خلیج فارس پرداخته است.

◀ فلور نتیجه می‌گیرد که ضعف مالی، سیستم کهنه دفترداری، سوء مدیریت، بی‌ثباتی و فقر در خلیج فارس، رقابت دو شرکت هلند و انگلیس و کساد بازاری برای فروش کالاهایی چون منسوجات و شکر از اهم دلایل شکست شرکت هلند بوده است.

◀ فقدان نیروی دریایی یکی از عمده‌ترین معضلات حکومت مرکزی برای استقرار امنیت در مناطق ساحلی در دوره‌های مختلف بوده که به خصوص در مرزهای جنوبی به سبب اهمیت روزافزون خلیج فارس حائز توجه بیشتری بود.

استفاده از این قرارداد را نداد. به زودی قائد حیدر حاکم گناوه که از خویشاوندان مادری میرمهنا بود به رقبیان وی پیوست. درگیری بوشهر و بندر ریگ بیش از همه تجارت بنادر دیلم و گناوه را رونق بخشید و همین امر زمینه مساعدی برای اقدامات استقلال طلبانه قائد حیدر فراهم آورد. به طوری که نافرمانی وی در برابر کریم‌خان در ۱۱۷۰ ق / ۱۷۵۷ م به اقدام مشترک میرمهنا و خان زند علیه وی انجامید. البته هلندیان به خوبی از رونق تجاری بندر گناوه بهره بردند، بدین ترتیب که نیازمندی‌های خود را که در گذشته از بندر ریگ تأمین می‌کردند حال از گناوه به دست می‌آوردند. در محیط پراشوب و پرتزاع خلیج فارس و در شرایطی که هیچ گروهی برتری قاطعی بر دیگری نداشت نقش گروه‌هایی چون حکام محلی دشتستان و برخی از طوائف عرب مانند هولیان، عتبیان و بنی کعب در برهم زدن موازنه‌ها شایسته بررسی و توجه می‌باشد. نزاع بین شیخ سلمان بنی کعبی و شیخ سعدون بوشهری در ۱۱۷۴ ق / ۱۷۶۱ م. بر سر بحرین که همواره متنازع فیه گروه‌های مختلفی چون اعراب مسقط، هولیان چارک، بنی کعب و حکام بوشهر بود، تجارت خلیج فارس را بیش از پیش مختل نمود. این منازعه که در آستانه بصره جریان داشته و تجارت این بندر را مختل کرده بود، حاکم بصره را وادار به مداخله کرد و چون مشارالیه نتوانست شیخ سلمان را وادار به آشتی کند در کنار شیخ سعدون و عتبیان متحد وی قرار گرفت و به نزاع با اعراب بنی کعب و گروهی از هولیان طرفدار آنها پرداخت. از سوی دیگر شیخ سلمان که در صدد کساد نمودن بازرگانی بصره و سوق دادن به سوی دوراف و قبان بود، در جستجوی متحدی نیرومند برآمده، تلاش نمود با هلندیان پیمان دفاعی و تهاجمی منعقد نماید. مناسبات کریم‌خان و شرکت‌های اروپایی از دیگر موضوعات مندرج در بخش اول می‌باشد. در این دوره نیز همچون گذشته درخواست اجاره و واگذاری کشتی یکی از دلایل رابطه حکومت مرکزی با این شرکت‌ها بود. کریم‌خان برای استقرار امنیت در مرزهای جنوبی و نواحی ساحلی و مقابله با میرمهنا و اعراب بنی کعب به نیروی دریایی نیازمند بود و چون در بین متحدانش به جز حاکم بوشهر متحد نیرومند و قابل اعتمادی یافت نمی‌شد از شرکت‌های اروپایی یاری طلبید چه هر دو شرکت هند خاوری هلند و انگلیس که قدرت‌طلبی میرمهنا آنها را به یک اندازه تهدید می‌نمود، منافع مشترکی با خان زند در سرکوب وی داشتند، اما از آنجا که تقویت حکومت مرکزی مغایر با منافع آنها بوده، مصالحه با گروه‌های محلی را ارجح می‌دانستند حاضر به همکاری با خان زند نشده، تلاش نمودند که به میرمهنا نزدیک شوند. کریم‌خان و شیخ سعدون سرانجام با این تهدید که مانع تجارت واک در بوشهر خواهند شد هلندیان را وادار به همکاری نمودند، چراکه این بندر برای ادامه فعالیت تجارخانه خارک جنبه حیاتی داشت. اما نه یاری هلندیان و نه همکاری انگلیسی‌ها که برای مقابله با شیخ سلمان بنی کعبی که «برای کلیه مقاصد عملی با او در جنگ بودند» به

مساعدت کریم‌خان نیاز داشتند، نتوانست میرمهنا را که در ۱۱۸۰ ق / ۱۷۶۷ م چون شلاق بر خلیج فارس بود، ساقط نمایند. تا اینکه سرانجام اختلافات داخلی طومار قدرت او را در هم پیچید و در ۱۱۸۲ ق / ۱۷۶۹ م در بصره به قتل رسید.

بخش دوم کتاب به علت یابی شکست فعالیت‌های بازرگانی واک در خلیج فارس اختصاص دارد. مؤلف در این بخش با درج جداول مختلف درباره سود و زیان شرکت هلند در سال‌های مختلف به تحلیل اقدامات تجاری این شرکت پرداخته و در نهایت نتیجه می‌گیرد که ضعف مالی، سیستم کهنه دفترداری، سوء مدیریت، بی‌ثباتی و فقر در خلیج فارس، رقابت در شرکت هلند و انگلیس و کساد بازاری برای فروش کالاهایی چون منسوجات و شکر از اهم دلایل شکست این شرکت بوده است.

بخش سوم به اقدامات نادر برای تأسیس ناوگان دریایی در خلیج فارس پرداخته، کشمکش‌های مداوم نادر را با شرکت‌های اروپایی برای خرید و اجاره کشتی شرح می‌دهد. اساساً فقدان نیروی دریایی یکی از عمده‌ترین معضلات حکومت مرکزی برای استقرار امنیت در مناطق ساحلی در دوره‌های مختلف بود، که به خصوص در مرزهای جنوبی به سبب اهمیت روزافزون خلیج فارس حائز توجه بیشتری بود. هرگاه حکومت مرکزی نیرومندی بر مسند قدرت تکیه داشت و یا اعراب نواحی ساحلی سرگرم منازعات داخلی بوده، قدرت چندانی نداشتند، این مرزها آرام بود و به ناوگان دریایی نیازی نبود. اما داشتن نیروی دریایی به منظور اعمال حاکمیت قدرت مرکزی بسیار ضروری می‌نمود چه از یک سو خلیج فارس منطقه‌ای امن و گریزگاهی مناسب برای شورشیان به شمار می‌رفت و از دیگر سو حکومت مرکزی برای استقرار نظم در این مناطق احتیاج به ناوگان شرکت‌های اروپایی داشت که این امر حکومت را در برابر اقدامات دریایی این شرکتها - نظیر محاصره خلیج فارس در سال‌های ۱۰۵۵ ق / ۱۶۴۵ م و ۱۰۹۵ ق / ۱۶۸۴ م توسط شرکت هلند - بی‌دفاع نموده، در شرایط آسیب‌پذیری قرار می‌داد. از این رو این شرکت‌ها همواره در برابر تقاضای دولت مرکزی برای خرید یا اجاره کشتی سرسختانه مقاومت می‌کردند.

نادر برای نظارت بر اعراب ساحل نشین به خصوص مسقطیان و مقابله با بصره به نیروی دریایی نیازمند بود. اعراب مسقط یکی از قدرتمندترین گروه‌های تازی بودند که همواره حکومت مرکزی را از نیمه دوم قرن هفدهم میلادی به مبارزه طلبیده بودند. این حاکم‌نشین در زمان فرمانروایی خاندان یعارب به اوج قدرت سیاسی خود رسید و به زودی با کمتر بودن تعرفه‌های گمرکی‌اش نسبت به بندرعباس رقیب تجاری این بندر گردید. مسقطیان در سال‌های ۳۰-۱۱۲۶ ق / ۱۸-۱۷۱۴ م با استفاده از بی‌کفایتی شاه سلطان حسین بحرین را تصرف کردند و حکومت را با دشواریهای زیادی مواجه نمودند به طوری که ایران تنها زمانی توانست از حملات این اعراب به بنادر و جزایر خود و نیز راهزنی دریایی آنها آسوده گردد که شورش‌های داخلی، قدرت امامان مسقط

را به شدت تهدید نمود و آنها ناگزیر برای سرکوب شورشها از حکومت ایران یاری طلبیدند. تقاضایی که شرایط مطلوبی برای مطیع ساختن این حاکم‌نشین در اختیار ایران نهاد و سرانجام نادر موفق شد در ۱۱۵۵ ق / ۱۷۴۲ م در جریان حمله‌ای که امام مسقط طراح آن بود، مسقط را تسخیر نماید.

#### خاتمه

در ارزیابی نهایی از این مجموعه توجه به چند نکته ضروری می‌نماید: نخست اینکه این مجموعه کمتر جنبه تحلیلی داشته، روند تاریخ ایران و یا روند حضور شرکت هند شرقی هلند در ایران را بررسی ننموده است، بلکه بیشتر به طرح وقایع و رویدادها براساس اسناد و گزارشات شرکت هند شرقی پرداخته است. از این رو این مجموعه به طور عمده حاوی اطلاعات و اخبار مستند و مفید درخصوص تاریخ ایران از روزگار صفویه تا زنده می‌باشد که در بررسی اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، اداری و مالی ایران در قرون یازده و دوازده هجری بسیار حائز اهمیت است. نکته دیگر که شایسته دقت می‌باشد این که این مجموعه کاملاً از دیدگاه هلندیان به رشته تحریر درآمده است و سومین نکته این که به سبب پیوستگی نزدیک بین شرکت هند شرقی هلند و حکومت این کشور، مواضع این شرکت در حقیقت انعکاسی از سیاست‌های «شورای ایالات هلند» بود. از این رو مجموعه حاضر در بررسی سیاست شرکت هند شرقی هلند و شورای ایالات این کشور در ایران نیز حائز توجه می‌باشد.

مطالب این مجموعه را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: ۱- مطالب مربوط به اوضاع خلیج فارس به ویژه بندرعباس، ۲- مطالب مربوط به اصفهان و کرمان. مؤلف در این مجموعه به چگونگی مناسبات شرکت هند شرقی هلند و حکومت مرکزی در زمان فرمانروایی شاه عباس، شاه سلطان حسین، محمود و اشرف افغان، نادرشاه افشار و کریم‌خان زند، چگونگی حضور اروپائیان در ایران بر پایه سیاست دیرینه حکومت در برقراری موازنه‌ها با استفاده از قدرت دیگران و رقابت شرکت هلند با سایر اروپائیان به طور اعم و تغییر و تحولات سیاسی و نقش آن در اوضاع تجاری بندرعباس، مناسبات گروه‌های مختلف چون حکومت مرکزی، شیوخ و اروپائیان در منطقه، بررسی عوامل قدرت و چگونگی ائتلاف‌ها و اتفاق‌ها به‌طور اخص پرداخته است.

«این مجموعه کمتر جنبه تحلیلی داشته، روند تاریخ ایران و یا روند حضور شرکت هند شرقی هلند در ایران را بررسی ننموده است، بلکه بیشتر به طرح وقایع و رویدادها بر اساس اسناد و گزارشات شرکت هند شرقی پرداخته است. از این رو این مجموعه به طور عمده حاوی اطلاعات و اخبار مستند و مفید در خصوص تاریخ ایران از روزگار صفویه تا زنده می‌باشد که در بررسی اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، اداری و مالی ایران در قرن یازده و دوازده هجری حائز اهمیت است»

#### پی‌نوشت‌ها

#### 1. Verenig de Oostindische compagnie (VOC).

۲- فلور، ویلم: اختلاف تجاری ایران و هلند و بازرگانی هلند در عصر افشاریان و زندیان ۱۷۱۵-۱۷۱۲، ترجمه ابوالقاسم سزی، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۱ ش، ص ۱۴.

\* لازم به توضیح است که به استثنای کتاب اولین سفرای ایران و هلند که به همت کتابخانه طهوری منتشر گردیده، سایر کتاب‌های این مجموعه توسط انتشارات توس چاپ و منتشر شده است.

۳- اولین سفرای ایران و هلند، شرح سفر «موسی بیگ» سفیر شاه عباس به هلند و سفرنامه «یان اسمیت» سفیر هلند در ایران، ترجمه و نگارش: دکتر ویلم فلور، به کوشش داریوش مجلسی و دکتر حسین ایوب‌ترابیان، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۰۸.

۴- فلور، ویلم: براق‌تادن صفویان، برآمدن محمود افغان، ترجمه ابوالقاسم سزی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۷۹؛ میرزا محمد کلاتر نیز در «روزنامه» خود به پیوستن برخی از طوایف سنی مذهب فارس به افغانه اشاره می‌نماید.

۵- اگرچه چندی بعد شاه سلطان حسین از آنها سلب اتهام نمود ولی برخی بر این یاور بودند که این فقط حیل‌ای برای ضبط اموال آنها بوده است (ص ۱۵۲ متن).

۶- فلور، ویلم: براق‌تادن صفویان، برآمدن محمود افغان، پیشین، ص ۱۲۱.

۷- همان، ص ۱۸۵.

۸- همان، ص ۲۸۱.

۹- همان، ص ۲۸۸.

۱۰- همان، ص ۳۱۱.

۱۱- همان.

۱۲- حزین، شیخ محمدعلی: تذکره احوال شیخ محمدعلی حزین، تصحیح افه، سی بلفور و ام. ا. اکسون، لندن، مؤسسه ترجمه آثار شرقی.

۱۳- فلور، ویلم: اشرف افغان بر تختگاه اصفهان، پیشین، ص ۲۳.

۱۴- همان، ص ۲۸.

۱۵- همان.

۱۶- همان، ص ۱۵۶.

۱۷- همان، ص ۱۲۳.

۱۸- همان، ص ۱۶۰.

۱۹- همان، صص ۱۶۷-۱۶۶.

۲۰- همان، ص ۹۳.

۲۱- فلور، ویلم: اختلاف تجاری ایران و هلند و بازرگانی هلند در عصر افشاریان و زندیان ۱۷۱۵-۱۷۱۲، ترجمه ابوالقاسم سزی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۱ ش، ص ۱۴.

۲۲- همان، ص ۱۵.

۲۳- در صفحه ۱۷ سال ۱۶۴۴ قید شده است.

۲۴- کارخا معادل ۴۰۰ کیلوگرم بود.

۲۵- فلور، ویلم: اختلاف تجاری ایران و هلند و ... پیشین، ص ۱۴۳.

۲۶- در صفحه ۵۱ به غلط رقم ۲۰۰/۰۰۰ تومان قید گردیده است.

۲۷- فلور، ویلم: اختلاف تجاری ایران و هلند، پیشین، ص ۲۱۱.

۲۸- در صفحه ۳۳ = صحیح ۱۷۱۷، غلط ۱۹۰۷.

در صفحه ۱۰۳ = صحیح ۱۷۱۷، غلط ۱۹۱۷.

در صفحه ۱۷۷ = صحیح ۱۷۲۱، غلط ۱۲۲۱.

در صفحه ۱۸۹ = صحیح ۱۷۵۰، غلط ۱۹۵۰.

در صفحه ۲۰۶ = صحیح ۱۷۶۶، غلط ۱۱۷۶.

۲۹- فلور، ویلم: حکومت نادرشاه، ترجمه ابوالقاسم سزی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۸ ش، ص ۷۵.

۳۰- همان، ص ۹۱.

۳۱- همان، ص ۷۳.

۳۲- همان، ص ۱۰۴.

۳۳- فلور در کتاب هلندیان در جزیره خارک، در فصلی تحت عنوان «ناوگان ایران در خلیج فارس در سده هجدهم» نیز اقدامات نادر برای تأسیس ناوگان دریایی در خلیج فارس را بررسی کرده است.

۳۴- فلور، ویلم: حکومت نادرشاه، پیشین، ص ۱۳۵.

۳۵- همان، ص ۱۲۴.

۳۶- همان، ص ۱۷۰، در کتاب هلندیان در جزیره خارک، در فصل «ناوگان ایران در خلیج فارس» به تفصیل به مناسبات نادر و تازیان مسقط پرداخته شده است.

۳۷- سپهر، عبدالحسین بن هدایت الله: تاریخ بختیاری، تهران ۱۳۵۵ ش، ص ۹۲.

۳۸- فلور، ویلم: هلندیان در جزیره خارک (خلیج فارس) در عصر کریمخان زند، ترجمه ابوالقاسم سزی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۱ ش، ص ۳۳.

۳۹- همان، ص ۵۶.

۴۰- همان، ص ۴۳.

۴۱- همان، ص ۵۵.